

شده است بکمیسیون بودجه فرستاده میشود دستور امروز انتخاب هیئت رئیسه است . اول انتخاب آقای رئیس برای مغفی اخذ آراء بعمل آمده و آقایان وحیدالملک و مساوات (وحاج مقبل السلطنه بعکم قرعه برای استخراج آراء تعیین و پس از استخراج بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد) :  
مهره تفتیشیه ( ۷۴ ) عده اوراق

رای (۷۴)  
آقای مومتن الملک (۶۴) رای  
آقای نصرت الدوله (۳) رای آقای امین الشریعه  
یک رای  
آقای میرزا محمدصادق طباطبائی  
یک رای  
آقای حاج میرزا محمد تقیخان نائینی  
یک رای

آقا شیخ الاسلام اصفهانی یک رای  
آقای مومتن السلطنه یک رای  
آقای سلیمان میرزا یک رای  
ورقه سفید علامت امتناع یک ورقه  
نایب رئیس - عده نمایندگان حاضر  
هفتاد و چهار آقای مومتن الملک بسمت ریاست شورای ملی به (۶۴) رای از (۷۴) رای انتخاب شدند

شروع میکنیم بانتخاب دونایب رئیس  
اخذ آراء بعمل آمده و پس از استخراج آراء ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)  
مهره تفتیشیه ( ۷۳ ) عده اوراق  
رای (۷۲)

آقا مدرس (۳۹) رای  
شاهزاده نصرت الدوله یک رای  
شاهزاده سلیمان میرزا ۳۲ رای  
ورقه سفید علامت امتناع یک ورقه  
نایب رئیس - عده رای دهندگان  
۷۴ نفر

امتناع یک نفر  
شاهزاده سلیمان میرزا (۳۲) رای  
شاهزاده نصرت الدوله یک رای  
مجلس همه آقایان سی و نه رای  
(بعضی گفتند مبارک است)  
نایب رئیس - انتخاب نایب رئیس

دوم  
(برای انتخاب نایب رئیس دیگر نیز رای گرفته و پس از استخراج آراء بطوریکه ذیل مندرج است نتیجه حاصل گردید)  
مهره تفتیشیه (۷۳) اوراق رای (۷۲)

آقای نصرت الدوله ۴۱ رای  
آقای آشتیانی ۲۸ رای شاهزاده -  
سلیمان میرزا (۲) رای امتناع دو ورقه  
نایب رئیس - عده رای دهندگان  
(۷۳)

ورقه سفید دو شاهزاده سلیمان میرزا دو رای

آقای نصرت الدوله چهل و یک رای  
آقای آشتیانی بیست و هشت رای  
آقای نصرت الدوله به نیابت ریاست با اکثریت چهل و یک رای انتخاب شدند شروع می کنم بانتخاب چهار نفر منشی بانتخاب جمعی  
(اخذ آراء شده و بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)  
عده مهره تفتیشیه (۷۴)  
اوراق رای (۷۴)

آقای حاج میرزا اسدالله خان کردستانی (۳۹) رای  
آقای امیرناصر (۳۸) رای  
آقای متصرالملک

د نظام الدوله (۳۴) رای  
د اقبال السلطان ۳۲ رای  
د فتح الدوله ۳۰ رای  
د وقارالملک ۲۹ د  
د شیخ الاحلام ملایری ۲۷ رای  
د آصف الممالک ۳ رای  
د تسین »  
د میرزا ابراهیم قمی ۲ د  
د وحیدالملک »  
د سردار معظم کردستانی ۱ رای  
د ملک الشمرایک رای  
د سردار مقظم »  
د شیخ الاسلام اصفهانی یک رای  
د احتشام الدوله ۱ رای  
د شیخ العراقین زاده ۱ رای

ورقه سفید یک ورقه  
نایب رئیس - سه نفر از آقایان  
حائز اکثریت شدند  
آقای حاج میرزا اسدالله خان کردستانی ۳۹ رای  
آقای امیرناصر ۳۸ رای  
د متصرالملک »  
حال باید یک نفر دیگر انتخاب شود

بعضی اظهار کردند : اگر اجازه می فرمائید قدری تنفس شود  
نایب رئیس - خوب است همه را انتخاب کنیم بعد جلسه را ختم نمائیم ولی اگر میل آقایان باشد ممکن است نیم ساعت تنفس شود  
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
نایب رئیس -- شروع میشود به اینجانب یک نفر منشی دیگر  
(اخذ آراء بعمل آمده و این طور نتیجه حاصل شد)  
مهره تفتیشیه (۷۱) اوراق آراء  
(۷۱)

آقای نظام الدوله ۳۲ رای  
د اقبال السلطان د

د ملک الشعراء یک د  
ورقه سفید علامت امتناع ۴ ورقه  
نایب رئیس - چون بلا نتیجه ماند دوباره رای می گیریم  
(مجدداً اخذ و استخراج آراء بعمل آمده بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید)  
مهره تفتیشیه (۷۲) - عده آراء  
( ۷۲ )  
آقای نظام الدوله ۳۶ رای  
د اقبال السلطان د  
د ملک الشعراء د

ورقه سفید علامت امتناع ۴ ورقه  
نایب رئیس - آقای نظام الدوله با اکثریت سی و شش رای انتخاب شدند شروع می کنم بانتخاب سه نفر مباشر بانتخاب جمعی  
(برای انتخاب مباشرین اخذ و استخراج آراء بعمل آمده این طور نتیجه حاصل گردید)  
مهره تفتیشیه (۷۱) - عده آراء  
( ۷۱ )  
آقای ازباب کیخسرو ۴ رای  
د عدل السلطنه ۴۲ رای  
د نصیردیوان ۳۸ رای  
د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ رای  
د کازرونی ۲۷ رای  
د رئیس التجار رای  
د مدرس د  
د دکتر لقمان د  
د نصرت الدوله د  
د سید یعقوب د  
د اقبال السلطان ۱ رای  
د امین التجار د  
د حاج میرزا تقیخان نائینی ۱ رای  
د عمید الممالک ۱ رای  
د بیان الملک د  
د امین الشریعه د  
د فهیم الملک د

ورقه سفید علامت امتناع ۱ ورقه  
نایب رئیس - عده حضار هفتاد و یک نفر  
آقای ازباب کیخسرو ۴ رای  
د عدل السلطنه ۴۲ د  
د نصیردیوان ۳۸ د  
د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ د  
د کازرونی ۲۷ رای  
د رئیس التجار رای  
د مدرس د  
د دکتر لقمان د  
د نصرت الدوله د  
د سید یعقوب د  
د اقبال السلطان ۱ رای  
د امین التجار د  
د حاج میرزا تقیخان نائینی ۱ رای  
د عمید الممالک ۱ رای  
د بیان الملک د  
د امین الشریعه د  
د فهیم الملک د

ورقه سفید علامت امتناع ۱ ورقه  
نایب رئیس - عده حضار هفتاد و یک نفر  
آقای ازباب کیخسرو ۴ رای  
د عدل السلطنه ۴۲ د  
د نصیردیوان ۳۸ د  
د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ د  
د کازرونی ۲۷ رای  
د رئیس التجار رای  
د مدرس د  
د دکتر لقمان د  
د نصرت الدوله د  
د سید یعقوب د  
د اقبال السلطان ۱ رای  
د امین التجار د  
د حاج میرزا تقیخان نائینی ۱ رای  
د عمید الممالک ۱ رای  
د بیان الملک د  
د امین الشریعه د  
د فهیم الملک د

ورقه سفید علامت امتناع ۱ ورقه  
نایب رئیس - عده حضار هفتاد و یک نفر  
آقای ازباب کیخسرو ۴ رای  
د عدل السلطنه ۴۲ د  
د نصیردیوان ۳۸ د  
د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ د  
د کازرونی ۲۷ رای  
د رئیس التجار رای  
د مدرس د  
د دکتر لقمان د  
د نصرت الدوله د  
د سید یعقوب د  
د اقبال السلطان ۱ رای  
د امین التجار د  
د حاج میرزا تقیخان نائینی ۱ رای  
د عمید الممالک ۱ رای  
د بیان الملک د  
د امین الشریعه د  
د فهیم الملک د

ورقه سفید علامت امتناع ۱ ورقه  
نایب رئیس - عده حضار هفتاد و یک نفر  
آقای ازباب کیخسرو ۴ رای  
د عدل السلطنه ۴۲ د  
د نصیردیوان ۳۸ د  
د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ د  
د کازرونی ۲۷ رای  
د رئیس التجار رای  
د مدرس د  
د دکتر لقمان د  
د نصرت الدوله د  
د سید یعقوب د  
د اقبال السلطان ۱ رای  
د امین التجار د  
د حاج میرزا تقیخان نائینی ۱ رای  
د عمید الممالک ۱ رای  
د بیان الملک د  
د امین الشریعه د  
د فهیم الملک د

جلسه ۸۶  
صورت مشروح مجلس یوم شانزدهم  
حمل ۱۳۰۱ مطابق هشتم  
شعبان ۱۳۴۰  
مجلس دو ساعت قبل از فروب ریاست

جلسه ۸۶  
صورت مشروح مجلس یوم شانزدهم  
حمل ۱۳۰۱ مطابق هشتم  
شعبان ۱۳۴۰  
مجلس دو ساعت قبل از فروب ریاست

آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم سه شنبه چهاردهم حمل را آقای امیرناصر قرائت نمودند رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی هست یا نه؟  
مخالفتی نشد

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . از اینکه در جلسه گذشته مجلس شورای ملی بخدمات ناقابل بنده اهمیت ووقعی گذاشته و مجدداً اظهار ظن و اعتماد نسبت به بنده فرموده اید کمال تشکر و امتنان رادارم و امیدوارم با رضایت خاطر آقایان اموری که به بنده محول شود انجام دهم

از طرف وکلا - انشاء الله و یقین دارم همانطوری که سابقاً بنده در حسن انتظام امور مجلس همراهی فرموده اند باز هم مساعدت فرمایند - انشاء الله - راجع بامور داخلی مجلس امیدوار هستم انشاء الله در این شش ماهی که در جلو داریم از حیث کار کردن از شش ماه گذشته عقب نمانیم چون در ششماه گذشته مجلس بکارهای مهمی دست زد و لوایح زیادی به مجلس آمده که در کمیسیونهاست مطالعه است و عنقریب به مجلس خواهد آمد کمیسیون بودجه و خود مجلس شورای ملی نسبت به بودجه خرج مملکت تصمیمات و اقدامات خیلی مفیده اتخاذ کرده اند که در دوره های سابق نظائری نداشته است - گفته شد صحیح است

بدین لحاظ است که بنده امیدوار هستم در آتیه نیز بهمین وثیره عمل شود و هیچ شکلی هم ندارد که همینطور خواهد شد برای اینکه در مجلس شورای ملی حسن اقدامات عملی پیدا شده و این حسن ناشی نیست مگر از تغییر افکار عامه در سابق یعنی در اوایل مشروطیت و در مجلس شورای ملی اول خیال می کردند که گفتن لفظ مشروطه داشتن قانون اساسی مملکت اصلاح میشود ولی بعد معلوم شد که اصلاحات یک تقبذات و ایراداتی هم لازم دارد .

لیکن در زمینه تقبذات یک قدری سوء استعمال و افراط شده و علاوه بر این یک عیب دیگری که در کارهای مملکتی بود مسئله نقاب بود و خیال می کردم که کارهای مملکتی را به نقاب می شود گذرانید بنابر این گاهی مقلدزید بودم و گاهی مقلد عمر و گاهی هم مقلد بکر .

این است که اگر بقوانین مادرست امان نظری بشود ملاحظه خواهد شد که از بیست ماده قانون شاید یکی هم قابل اجرا نباشد ولی حالا دیده می شود که در بعضی اشخاص که در کارهای سیاسی داخل هستند یک حق دیگری پیدا شود و آن حسن عمل و اقدامات عملی است که بعد از ۱۶ سال مشروطیت این حسن و این نظریه و این عقایدیکه جدیداً در مردم پیدا شده و در

مجلس هم انکساستی پیدا کرده باین نظر است که ما می بینیم مجلس شورای ملی منتقد شده است که در کارها اقدامات عملی باید بشود.

البته مجلس شورای ملی می داند که مشروطیت يك امر عظیمی است و با نقله و حرف زدن کار مملکت اصلاح نمی شود ( گفته شد صحیح است )  
اولا مشروطیت يك میل وافر می - خواهد بود بعد اقدامات جدی عملی لازم دارد ( گفته شد صحیح است ) کسب این بودجه را هم در خرج مملکت اقدامات عملی کرده است و امیدوار هستم که انشاء الله بودجه دخل مملکت هم همان اقدامات عملی را بکند برای اینکه خرج بی دخل و بلک بودجه که خرجش مرتب و دخلش مرتب نباشد یا بالعکس شاید مثل شخصی باشد که هوشش تابع عقلش نباشد یا اگر از این مثل خوششان نیاید می توانم عرض کنم مثل شخصی است که گاهی از روی عقل کار کند و گاهی از روی احساسات قلبی باین لحاظ در هر مملکتی که خواسته اند رژیم مشروطیتشان مستقل شود اول نظری بدخل و خرج مملکت انداخته اند که هر دورا مساوی کنند کسب بودجه هم در خرج مملکت اقدامات مفیده کرده و در دخل هم امیدوارم بنظر اقدام کند ولی چیزی که بنظر بنده میاید البته خود آقایان هم می دانند اگر زیادی نباشد عرض میکنم که در دخل مملکت هم دو رشته اصلاحات لازم است چون اصلاحات کلیه راجع بجلو گیری از تعدیات است

تعدیات هم هر دو قسم است یکمرتبه بر ضرر دولت است که مالبه دولت حیف و میل می شود و يك تعدیاتی است که بر منفعت دولت است و بر مردم تعدی واجب می شود ما باید از هر دو قسم تعدی جلو گیری کنیم و بنیاید بگوئیم این تعدیاتی که بمنفعت دولت است از او نباید جلو گیری کنیم بجهت اینکه برای دولت تحصیل عایدی است زیرا اگر این عقیده مایود دیگر لازم نبود که مامشروطه بشویم در زمان استبداد هم همین حرف را میزدند و اصول استبداد هم همین است که بیشترین منافع یا اکثرین ضرر برای دولت ولی اصول مشروطیت غیر از این است یعنی بیشترین منافع ملت یا اکثرین ضرر دولت است ما هم بایستی در کار دخل مملکت و در مالیات هائی که وضع شده و میشود همین اصول را رعایت کنیم مثلا اگر در ازمه سابقه مالیات هائی وضع شده و بعد در مجلس اول و دوم و سوم مالیات های جدیدی وضع کرده اند یا در ایام فترت هیئت وزراء یا اشخاص دیگری مالیاتی وضع کرده اند شاید ملاحظه نکرده اند که این مالیات جدیدی که وضع می شود آن مالیات قدیم را باید لغو کرد ( صحیح است ) و

همچنین در خیال اینهم نیافتاده اند که آنها را يك کاسه و يك نواخت کنند که هم تکلیف امنای مالبه وهم آنهائی که مالیات بده هستند معلوم باشد این است که بنده گمان می کنم کسب بودجه فوائین مالبه و کسب بودجه باید در این امر يك نظر عینی بکند و از حيث يك کاسه کردن و يك نواخت کردن بعضی مالیاتها و تطبیق آنها با قوانینی که در سابق وضع شده يك قدری تمیق بکنند و آنهائی که باید الفاء شود الفاء نوده و آنهائی که باید يك کاسه و يك نواخت بشود مرتب بشود و بمجلس پیشنهاد نمایند در خانه این را هم زائد نیندازم عرض کنم که از بدو افتتاح مجلس تا بحال راجع به واردات مملکت مذاکرات زیادی شده و از طرف جمعی مخصوصا از ولایات پیشنهادات زیادی بمجلس رسیده راجع به منع ورود بعضی اتمه از قبیل اتمه شمالی و تا کنون این قبیل لوايح در کسب بودجه مانده اگر چه امان نظر و وقت کامل در آنها شده است ولی راپورتش حاضر نشده لذا از آقایان خواهش می کنم که در انتخاب اعضاء کسب بودجه تجارت يك جدیتی بفرمایند که کسب بودجه زودتر تشکیل شود و راپورت خود را زودتر بمجلس فوراً بمی پیشنهاد کند تا آن چیزیکه مطمح نظر نامه اهالی این مملکت است زودتر بموقع اجرا گذاشته شود .

( گفته شد صحیح است )  
رئیس - شعبات باید تجدید شوند. هر شعبه سیزده نفر خواهد بود باستانی شعبه اول و دوم و سوم که چهارده نفر می شوند.  
( در این موقع آقای منتصر الملک استعراغ نمود و شعبات بترتیب ذیل بهمک فرقه تعیین شدند )  
شعبه اول - آقای بهاء الملک. آقای مستوفی الممالک. آقای بیان الدوله. شاهزاده نصرت الدوله. آقای حاج میرزا تقی خان نائینی. آقای آقا میرزا علی کازرانی. آقای سهام السلطان. آقای سردار جنک. آقای رفعت الدوله. آقای مستند السلطنه. آقای نصیر دیوان. آقای شیخ الاسلام ملایری. آقای حاج امین التجار. آقای وقار الملک هم در آخر ضمیمه شد  
شعبه دوم - آقای میرزا محمد حسین صدوائی. آقای حاجری زاده. آقای حاج نصیر السلطنه آقای فتح الدوله آقای موتمن - السلطنه. آقای بیان الملک. آقای سردار معظم کردستانی. آقای مستشار السلطنه. آقای حاج مقل السلطنه. آقای حاج میرزا مرتضی. آقای ناظم العلماء. آقای آقا سید فاضل. آقای حاج میرزا علی محمد. آقای آصف الملک نیز بمید علاوه شد  
شعبه سوم - آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی آقای حاج میرزا اسدالله خان

کردستانی آقای حاج میرزا عبدالوهاب آقای هاد السلطنه طباطبائی آقای قوام الدوله آقای آقا سید جواد معق الملهام آقای احتشام الدوله آقای امیر ناصر آقای شیخ - الاسلام اصنهانی آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی آقای وحید الملک آقای آقا میرزا سید حسن ککاشانی آقای آقا میرزا ابراهیم خان ملک آرائی آقای موتمن - الملک .

شعبه چهارم - آقای آقا سید محمد رضای سادات آقای صمصام السلطنه آقای هاد السلطنه خراسانی آقای شیخ المراقین زاده آقای عدل السلطنه آقای آقای آقا سید یعقوب آقای آقا سید حسن مدرس آقای آقا سید محمد تدین آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی آقای منتصر الملک آقای صدر الاسلام آقای رکن الملک آقای غضنفر خان .

شعبه پنجم - آقای حمید الممالک آقای سدید الملک آقای میرزا ابراهیم قمی آقای میرزا شهاب الدین آقا میرزا محمد نجات آقای شریعتدار حکمرانی آقای اقبال السلطان آقای سلطان الملهام آقای حاج شیخ اسدالله آقای آقا سید کاظم بزدی آقای وکیل الملک آقای حاج مخبر السلطنه آقای رئیس التجار شعبه ششم - آقای سردار مخمف آقای دکتر لقمان آقای سلیمان میرزا آقای جلیل الملک آقای نظام الدوله آقای امین - الشریبه آقای فهیم الملک آقای میرزا طاهر تنکابنی آقای محمد هاشم میرزا آقای ارباب کبشرو آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی آقای میرزا محمد صادق طباطبائی آقای ملک الشعراء

بودجه و کسب بودجه خارج جزو دستور بود بنده تصور می کنم مذاکره در راپورت کسب بودجه راجع بودجه ریاست وزراء مطرح شود و بعد در موقع نفس کسب بودجه هارا انتخاب نمایند  
رئیس - چون مکرر دیده شده که در موقع نفس نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد

مدرس - اجازه می فرمائید رئیس - بفرمائید مدرس - گمان میکنم امروز موفقیت بانتخاب کسب بودجه حاصل نشود زیرا آن طوریکه باید و شاید تبادل افکار نشده خوب است بجلسه بعد معقول شود  
( گفته شد صحیح است )  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
آقا سید یعقوب - بنده عرض ندارم .

رئیس - آقای سلیمان میرزا سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - بنده عرضی ندارم  
رئیس - مجلس با پیشنهاد آقای مدرس موافق است؟  
مخبر - بنده عرضی ندارم  
رئیس - پس راپورت کسب بودجه خارج مطرح است ماده اول قرائت میشود ( آقای امیر ناصر ماده اول را بمضمون ذیل قرائت نمودند )  
ماده اول - مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصولی دولت علیه ایران در ممالک خارجه با استثنای مأمورین افتخاری نباید از پنج سال تجاوز نماید. و در انقضای این مدت مأموریت مجدد آنها بخارجه منوط است باینکه لااقل یکسال در ایران توقف کرده باشند  
رئیس - آقای زنجانی ( اجازه )  
آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده موافقم  
رئیس - آقای گروسی ( اجازه )  
حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده در يك قسمت مخالفم و در يك قسمت موافقم .

اولا اینکه آقای گروسی پیشنهاد کردند که مدت سه سال باشد بنده سه سال را کم میدانم بجهت اینکه مأمورینی که میروند آنها تازم بکار پیدا کند لابد يك مدتی وقت لازم دارد و بمقیده بنده پنجسال که پیشنهاد شده کافی است و زیاد نیست و اما اشکالی که بعضی از آقایان کردند و فرمودند که ممکن است آن مأمور در پنجسال که موقع احضار اوست داخل در يك سیاستی شده و خواستن او در این موقع شاید سخته مامور وارد آورد بمقیده بنده این اشکال وارد نیست چرا؟ برای اینکه وقتی وزیر خارجه دید که يك مأمور در فلان محل بقدر کفایت اقامت کرده یعنی مدت پنج سال او تمام شده او را خواهد خواست و اگر چنانچه او داخل در يك مذاکرات و سیاستی شده البته قبل از وقت وزارت خارجه از برای او عرض میبکنند و بوقع عرض او را خواهد رسانید بملاوه می تواند از سایر مأمورین خودش که در نقاط دیگر همان مملکت هستند و مدت پنج سالشان سر نمانده بجای او بفرستد و این هیچ سخته بکار او وارد نخواهد آورد و ما فوائد این امر هم زیاد است و مختصراً اشاره می کنم .

یکی اینکه این شخص بمملکت خود برمی گردد و از سیاست مملکت خود اطلاع حاصل می کند و از اطلاعاتی که در خارجه تحصیل کرده بمملکت فائده میرساند و دیگر اینکه برای جلو گیری از نشیبات بعضی اشخاص که اسباب چینی میکنند نادر آن محل بمانند این قانون خیلی لازم است و رفع آن تشبثات را می کند و بنده این ماده را لازم می دانم و اشکالی هم ندارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت یا مخالف؟  
آقا سید یعقوب - بنده از آقای مخبر سؤالی دارم  
رئیس - بفرمائید آقا سید یعقوب - در لایحه اول که بنظر هیئت دولت هم رسیده ذکر لفظ قنصولی نشده بود و در این لایحه تانی نوشته است مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصولی دولت علیه ایران. بنده خواستم از آقای مخبر سؤالی کنم که مأمورین سیاسی شامل قنصول هم میشود یا نه؟ و علت چیست که لفظ قنصولی را اضافه کرده اند و هم چنین علت استثناء کردن مأمورین افتخاری چیست؟  
مخبر - اولاً مأمورین سیاسی فقط شامل سفراء و وزراء مختار میشود و قنصولی يك رشته علیحده است و مأمورین سیاسی شامل آنها نمی شود لهذا لفظ قنصولی اضافه شد  
( گفته شد صحیح است )

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد مخالف هستید؟  
حاج میرزا علی محمد - بلی  
رئیس - بفرمائید  
حاج میرزا علی محمد - سابق بر این در این لایحه نوشته بودند و وزرای مختار و سفرای مقیم ولی حالا نوشته اند کلیه مأمورین سیاسی و مأمورین سیاسی يك کلمه ایست که شامل ژاندار و نواب سفارت خانه هم می شود و کلمه قنصول هم شامل ویس قنصول و ژنرال قنصول و غیره خواهد شد و من عقیده ندارم که این لایحه آتقدر توسعه بهمی که شامل قنصول ویس قنصول و ژاندار و نواب هم بشود و بملاوه سابقاً هم عرض کرده ام وقتی که بنشاید تمام مأمورین سیاسی را بفرهاند آتوقت باید در سفارتخانه را بکنی ببندند و بیایند چونکه تمام مأمورین از قبیل ژاندار و قنصول و نواب و غیره باید بیایند و بنده نمی دانم نظر کسب بودجه در این است که تمام نواب اول و دوم و آتاشها و غیره را هم شامل شود یا نه؟ یعنی کلمه مأمورین سیاسی باینها اطلاق می شود یا نه؟ اگر شامل شود دیگر کسی در سفارتخانه می ماند مگر اینکه متوسل بشوند به آن ماده آخر که برای آنها يك مدتی مهلت تعیین کرده اند والا اساساً اینکار کار مشکلی است دیگر اینکه تصریح شده است که این قانون شامل ما قبل خودش هم هست و دولت در این مورد دچار اشکالات می شود

مخبر - در راپورت اولیه کسب بودجه در نظر آقایان هست که اختصاصی داده شده بود بسفرای مقیم و وزرای مختار لیکن اینطور احساس شد که نظریات اکثریت مجلس یعنی موافق پیشنهادانی که آقایان فرمودند و بکسب بودجه ارجاع شده است این است که شامل تمام مأمورین می شود اهم از قنصول ها و اجزاء سفارتخانه و آتاشها و غیره بملاوه آن نظریه که این پیشنهاد را در مجلس قابل توجه کرد يك چیز هائی بود که اگر بقنصولها مخصوصاً ویس قنصولها و اگر مراجع کنیم خواهیم دید که بیشتر آنها مستلزم تغییر و تبدیل هستند زیرا در خارجه باتباع ایران خیلی صدمه و زحمت وارد میاورند مثل اینکه در اسلامبول دولت مجبور شد که بکمرتبه تمام اعضاء سفارت خانه را احضار و تعطیل کند که هیچکس در سفارتخانه نباشد اینها تمام بواسطه رفتار مأمورین مخصوصاً مأمورین جزء قنصول گری بوده و کسب بودجه پس از مطالبات زیاد لازم دانست که این نظریه را تنفیذ کند و اما اینکه می فرمایند در اجرای این امر دولت دچار اشکال می شود خبر اینطور نیست که آقای حاج میرزا علی محمد خیال می کنند که هر پنجسال پنجسال

رئیس - آقای سید محمد تقی ( اجازه )  
سید محمد تقی - موافقم  
رئیس - آقای کازرانی - آقا میرزا علی کازرانی - مخالفم  
رئیس بفرمائید  
آقا میرزا علی - بنده در شور اول پیشنهاد کردم که مدت اقامت مأمورین خارجه بیش از سه سال نباشد بجهت اینکه آقایان موافقین یکی از دلایلی که برای وجوب این لایحه اقامه می کردند این بود که مأمورین که بخارجه میروند تجربیات و معلوماتی حاصل می کنند و مطابق این قانون باید بایران بیایند و آن معلومات را بما بدهند  
بسیار خوب اگر این حکمیتش باشد بنده هم موافقم ولی مطابق همین دلیل اگر مدت مأموریتشان سه سال باشد بهتر است که بیشتر بخارجه میروند و زودتر بر می گردند و بیشتر تجربه بیاموزند بملاوه نمی دانم چه نظر ملاحظه سه سال را خیلی کوتاه فرض می کنم سه سال خیلی زیاد است و در حقیقت يك نتیجه صریح است عملی الحال بمقیده بنده پنج سال خیلی زیاد است و گمان می کنم سه سال کافی است و بنده همان نظریات سابق خودم را که پیشنهاد کرده ام تعقیب می کنم و خواهش می کنم که مخبر محترم بیدیرند و مدت را سه سال قرار بدهند  
رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

عرض بشوند و در آخر هر پنجسال باید يك مدتی در سفارتخانه را به بنده تا عده ثانوی برود اینطور نیست و ترتیبش غیر از این است  
اولاً در این لایحه معرزشده است که حکما مأمورین باید پنجسال متوالی بماند و در رأس سه سال حرکت کند غیر دولت مجاز است که یکسال دوسال سه سال هشت ماه او را نگاهدارد و منتهی مدت توقف او پنج سال است و نباید از پنجسال تجاوز بکند .  
ثانیاً تمام آنها که بکلمه احضار نخواستند شد البته بتدریج خواهند آمد یعنی ممکن است که اول خود وزیر مختار را احضار کنند بعد اجزایش را بفرهاند و این ماده سوم هم جلوگیری از اشکال آقای دولت آبادی می کند. که رؤساء آنها را اول احضار کند و اجزاء آنها را در ظرف یکسال بتدریج عرض کنند یعنی دولت تمام راعوض می کنند یا تغییر مأموریت می دهد ولی عرض آنها را بتدریج معین می کند و همچنین از ابتداء هم بکلمه رايك رقمه نمی فرستد که در آخر آن تاریخ مجبور باحضارم باشند

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )  
سهام السلطان - موافقم  
رئیس - آقای کازرانی موافقت یا مخالف؟  
آقا میرزا علی کازرانی - مخالفم  
رئیس بفرمائید  
آقا میرزا علی - بنده در شور اول پیشنهاد کردم که مدت اقامت مأمورین خارجه بیش از سه سال نباشد بجهت اینکه آقایان موافقین یکی از دلایلی که برای وجوب این لایحه اقامه می کردند این بود که مأمورین که بخارجه میروند تجربیات و معلوماتی حاصل می کنند و مطابق این قانون باید بایران بیایند و آن معلومات را بما بدهند  
بسیار خوب اگر این حکمیتش باشد بنده هم موافقم ولی مطابق همین دلیل اگر مدت مأموریتشان سه سال باشد بهتر است که بیشتر بخارجه میروند و زودتر بر می گردند و بیشتر تجربه بیاموزند بملاوه نمی دانم چه نظر ملاحظه سه سال را خیلی کوتاه فرض می کنم سه سال خیلی زیاد است و در حقیقت يك نتیجه صریح است عملی الحال بمقیده بنده پنج سال خیلی زیاد است و گمان می کنم سه سال کافی است و بنده همان نظریات سابق خودم را که پیشنهاد کرده ام تعقیب می کنم و خواهش می کنم که مخبر محترم بیدیرند و مدت را سه سال قرار بدهند  
رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

مخبر - اولاً مأمورین سیاسی فقط شامل سفراء و وزراء مختار میشود و قنصولی يك رشته علیحده است و مأمورین سیاسی شامل آنها نمی شود لهذا لفظ قنصولی اضافه شد  
( گفته شد صحیح است )  
رئیس - آقای سید محمد تقی ( اجازه )  
سید محمد تقی - موافقم  
رئیس - آقای کازرانی - آقا میرزا علی کازرانی - مخالفم  
رئیس بفرمائید  
آقا میرزا علی - بنده در شور اول پیشنهاد کردم که مدت اقامت مأمورین خارجه بیش از سه سال نباشد بجهت اینکه آقایان موافقین یکی از دلایلی که برای وجوب این لایحه اقامه می کردند این بود که مأمورین که بخارجه میروند تجربیات و معلوماتی حاصل می کنند و مطابق این قانون باید بایران بیایند و آن معلومات را بما بدهند  
بسیار خوب اگر این حکمیتش باشد بنده هم موافقم ولی مطابق همین دلیل اگر مدت مأموریتشان سه سال باشد بهتر است که بیشتر بخارجه میروند و زودتر بر می گردند و بیشتر تجربه بیاموزند بملاوه نمی دانم چه نظر ملاحظه سه سال را خیلی کوتاه فرض می کنم سه سال خیلی زیاد است و در حقیقت يك نتیجه صریح است عملی الحال بمقیده بنده پنج سال خیلی زیاد است و گمان می کنم سه سال کافی است و بنده همان نظریات سابق خودم را که پیشنهاد کرده ام تعقیب می کنم و خواهش می کنم که مخبر محترم بیدیرند و مدت را سه سال قرار بدهند  
رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - اساساً اگر آقایان دقت بفرمایند تصدیق خواهند کرد که دولت محدود نخواهد بود که زودتر از پنج سال مأمورین را نتواند تغییر بدهد خبر؟ دولت از يك سال تا پنجسال هر وقت مقتضی بداند مأمورین خود را میتواند تغییر بدهد و منتهی مدت او پنج سال است و بمقیده بنده نیابستی مدت را خیلی محدود کرد دست دولت رابست که نتواند يك مدت کافی مأمورین را در يك نقطه باقی بگذارد و باید پنجسال را بطور مدت آخر قرارداد یعنی تا پنج سال در این صورت چنانچه دولت لازم بداند می تواند قبل از پنج سال مأمورین خود را تغییر بدهد و هیچ مانعی ندارد اینکه آقای حاج میرزا علی محمد فرمودند که این ماده موجب می شود که یکمرتبه اعضاء سفارتخانه را بفرهاند و در سفارت خانه را به بنده اگر ملاحظه بفرمایند خواهند دید که تمام اعضاء یکمرتبه برای يك سفارتخانه نرفته اند که یکمرتبه مرفق بتبئیرش نشوند هر کدام به تفاوت رفته اند و تفاوت هم تبئیر و احضار خواهند شد و بملاوه برای آنها هم يك مدتی مهلت تعیین شده و یکسال فرجه قرار داده اند در این صورت دست دولت باز است و هر طور مقتضی بداند رفتار می کند  
رئیس - آقای معق الملهام مخالفید؟  
مخبر - در يك قسمت موافقم و در يك قسمت مخالفم  
رئیس - بفرمائید  
مخبر - اینک در این نامه می گوید بعد اعلامی توقف مأمورین در خارجه پنج سال است و بعد باید بیایند و یکسال در ایران بمانند عرض می کنم که بنده از این بیانات فهمیدم که مقصود از پنجسال حد اعلی است نه اینکه دولت ناچار باشد که پنجسال تمام آنها را در سر مأموریت خودشان بماند و بیانات ملتفت شدم ولی عرض می کنم که ممکن است بعضی از این مأمورین قابل ولایت و صحیح العمل و عارف باصطلاح و سیاست مملکت و مسلک خارجه شده باشند و این قانون ناچار می کند دولت را که آنها را احضار کند خوب حالا که احضار شوند دیگر چرا باید یکسال توقف کند و بمقیده بنده يك سال زیاد است زیرا این قانون دولت را مجبور کرده است که بگذارد مأموریتش در خارجه بیش از سه سال توقف نماید و در سر پنجسال باید او را احضار کند والا اگر این قانون نبود شاید ده سال دیگر هم دولت بواسطه صحت عمل و ولایت او مدت مأموریت او را در همانجا ادامه میداد  
حالا که این قانون دولت را مجبور کرده که آنها را بایران مراجعت بدهد با

رئیس - آقای معق الملهام مخالفید؟  
مخبر - در يك قسمت موافقم و در يك قسمت مخالفم  
رئیس - بفرمائید  
مخبر - اینک در این نامه می گوید بعد اعلامی توقف مأمورین در خارجه پنج سال است و بعد باید بیایند و یکسال در ایران بمانند عرض می کنم که بنده از این بیانات فهمیدم که مقصود از پنجسال حد اعلی است نه اینکه دولت ناچار باشد که پنجسال تمام آنها را در سر مأموریت خودشان بماند و بیانات ملتفت شدم ولی عرض می کنم که ممکن است بعضی از این مأمورین قابل ولایت و صحیح العمل و عارف باصطلاح و سیاست مملکت و مسلک خارجه شده باشند و این قانون ناچار می کند دولت را که آنها را احضار کند خوب حالا که احضار شوند دیگر چرا باید یکسال توقف کند و بمقیده بنده يك سال زیاد است زیرا این قانون دولت را مجبور کرده است که بگذارد مأموریتش در خارجه بیش از سه سال توقف نماید و در سر پنجسال باید او را احضار کند والا اگر این قانون نبود شاید ده سال دیگر هم دولت بواسطه صحت عمل و ولایت او مدت مأموریت او را در همانجا ادامه میداد  
حالا که این قانون دولت را مجبور کرده که آنها را بایران مراجعت بدهد با

کمال اطمینانی که به آنها دارد دیگر بنده شایسته نمی دانم که یکسال در تهران بماند بلکه چهار پنجم بماند کافی است و بعد بر گردد محل مأموریتش و یکسال را بنده زیاد میدانم

**رئیس - آقای گروسی که مخالف بودند آقای امین الشریعه** چه طور **امین الشریعه - مخالف**

**رئیس - آقای ملک الشمره** موافقت؟

**ملک الشمره - غیرمخالف**

**رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب**

**حاج میرزا عبد الوهاب - مخالف**

**رئیس - آقای سید یعقوب** موافقت؟

**آقا سید یعقوب - بلی موافقت**

**رئیس - بفرمائید**

**آقا سید یعقوب -** نمی دانم نماینده محترم فارس در شور اول مگر تشریف نداشتند که بدانند فلسفه اینکه یکسال باید در ایران توقف کنند بر گردند و فلسفه اینکه آنها را احضار کنند چیست؟

اولا ما ناچار هستیم این مسئله را در تحت قانون قرار بدهیم چون مأمورینی داریم در خارجه که حقیقتاً نتوانستیم آنها را احضار کنیم

بعضی گفتند غیر غیر این طور نیست

باید آنها را به فوت قانون احضار کنیم و فلسفه اینکه بیایند و یکسال در ایران بمانند برای این است که از سیاست مملکت و از حالات روحی و تغییرات و کیفیاتی که در مملکت ایجاد شود ملتفت شوند و برای المعین مشاهده کنند پس از آن اگر خواست آنها را مأمور کند و در ظرف سه چهار ماه قطعاً این مطلب حاصل نمی شود دیگر اینکه اینجا مکرر گفته شود مأمورین ما که در خارجه تحصیلاتی کرده اند و اطلاعاتی حاصل نموده اند باید تشریف بیاورند و از اطلاعات و قوانینی از ممالک متدنه انتفاع کرده اند بیایند و در اینجا هم یک ادارات تأسیساتی تشکیل بدهند و باز برونند برای این کار آبادی و سه ماه کافی است غیر بلکه حد اقل یکسال است که در لایحه ذکر شده والا اگر کمتر از یکسال باشد تری ندارد

**رئیس - آقای گروسی** (اجازه)

**حاج شیخ محمد حسن -** مطالب بنده را آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند

**رئیس - آقای امین الشریعه** (اجازه)

**امین الشریعه -** بنده چنانکه در مورد اول هم عرض کردم اساساً با صدور

ذیل این ماده مخالفم

اولاً آقایان نمایندگان تصدیق می فرمایند که حیثیات قانون را باید بیش از همه چیز محفوظ و منظور داشت و حیثیات قانون وقتی محفوظ میشود که قوانین را از روی یک نظریات اساسی و فلسفه اجتماعی و منافع عمومی که در مملکت ایجاد می شود وضع کرده و برای رفع منظور قانون نمی شود وضع کرد رفع منظور و موانع را باید بتوسط قوه مجریه کرد و اگر برای رفع منظور قانون وضع کنند حیثیات قانون را تغییر کرده اند و موجب وهن قانون است و شاید اگر برای رفع منظور قانون وضع کنند ممکن است منظور دیگری تولید شود یا همان منظور را زیادتر بکنند و اما اینکه فرمودند بیایند ایران و از اطلاعاتشان استفاده مانی می شود خیلی محل تعجب است اما اینکه به مأموریت خارجه می روند اولاً باید فهمید چه قسم اطلاعات تحصیل می کنند پس از آنکه اطلاعات آنها در ظرف چهار پنج سال تکمیل شده تازه متخصص این عمل خواهند شد و باید مأمورینشان در این جا ادامه پیدا کنند مثلا اشخاصیکه از مدارس بیرون می آیند تازه هر کدام از آنها باید به مدارس علمی و فنی بیرون آمدند آنوقت صاحب آن حقوقیکه در خور آنها است خواهند بود و آنوقت می شود از آنها استفاده برد پس این فلسفه دلیل نمی شود بلکه دلیل بر عکس است دیگر اینکه گفته شد بعضی از مأمورین بواسطه طول اقامت در خارجه یک عادات و ملکاتی پیدا کرده اند و از عادات و تربیبات روحیه و اخلاق داخله مملکت خود بی اطلاع شده اند آنها هم خیلی محل تعجب است مگر تصور شود آنها بی که در خارجه مأموریت دارند بدماغ و میله خودشان مشغول عملیاتی خواهند بود هر مأموری که بفرگرومیل و دماغ خودش بخواهد اجراء خیال خود را پیدا کند باید او را برداشت و اگر از او امر دولت و وزارت متبوعه خودش نبرد می کند باید او را معزول کرد و نباید یک قانون برای این کار وضع کرد مأمور دولت در هر کجا باشد چه در داخله و چه در خارجه مکلف است موافق تعلیمات مافوق خود رفتار کند و مافوق مأمورین سیاسی و وزیر خارجه است هیئت دولت است هیئت دولت در کجا است در مرکز ایران بهترین اشخاصی که از تربیبات و تغییرات و تبدیلات داخله و خارجه بغوی مستحضرات دولت است و آن مأمور هم نوکر دولت است دولت باید از اخلاق روحیه مملکت مستحضر باشد دولت باید افکار عمومی را درست داشته باشد و آنچه را که دولت فهمید و تکلیفش را دانست و سیاست خارجه را را معزز کرد مطابق آنچه که فهمیده است بنوکرهایش تعلیم می دهد دستور می دهد

و آنها هم مکلف هستند رفتار کنند مفرمانند بیایند آنجا از اوضاع داخلی مملکت مطلع شوند اوضاع داخلی بر فرض اینکه خوب هم نباشد بهیچ وجه مدرك عمل آنها نخواهد شد باید دولت با آنها یک تعلیمات و سیاستی القاء نماید موافق آن عمل نمایند تعلیمات سیاسی برای آنها خیلی اهمیت دارد و آنها هم مجبورند موافق آن تعلیمات رفتار کنند و اگر رفتار نکنند باید آنها را برداشت و ولی چیزی که خیلی اهمیت دارد این است که دولت باید سیاست خود را همیشه در نظر گرفته باشد و مأمورین خودش تعلیمات بدهد و آنها هم اجراء کنند بعلاوه این قانون برای ماضی دارد خودش در کجا است در این است که دولت باید در امور خود خاصه راجع سیاست خارجه و مأمورین خارجه صاحب اختیار باشد و اگر این قانون بگذرد و مضرت و بنده مخالفم زیرا اختیارات دولت را محدود می کند شاید یک وقتی دولت لازم بداند در موقع مهمی یکی از مأمورینش را که در آن نقطه هست بماند تا از او استقاده بکنند یا یک مقصود مهم دولت را بعمل آورد ولی مطابق این قانون باید او را بخواهد و یکسال هم در ایران بماند آن وقت ممکن است آن سیاست بگلی از میان رفته و نتیجه شاید دولت نشود

پس دولت باید مختار باشد خاصه در امر سیاست خارجه که ابدأ نباید محدود باشد بعد از آنکه دولتی محل اعتماد ملت شعاعین مرحله است که تمام سعی ها و وقت ها باید در این مرحله بشود و با اعتماد ملت انتخاب شد دیگر نباید او را در عملیات خودش محدود کرد باید مختار و آزاد باشد خاصه در انتخاب مأمور و غیره و اگر مختار نباشد آنوقت آنچه را که منتظرند و منتظریم انجام نمی گیرد و خیلی ضرر های دیگر هم از این قانون تولید می شود که فعلاً حاجت نمی دانم عرض خودشان برونند و از سیاست و احوال روحیه مملکت و ملت خودشان مطلع شوند و بر گردند آیا این ملاحظات را ما هم کرده ایم خیر ما مأموری داریم که بیست سال در یک نقطه مانده است و شاید از بسکه مانده است خودش هم نمی داند مأمور کجا است آقای محقق العلماء فرمودند یکسال برای توقف در مرکز زیاد است عرض می کنم اینکه می شوند آنوقت دولت آنها را احضار می کند بنده عرض می کنم مأمورین سیاسی باید قبل از رفتن به مأموریت متخصص باشند و برونند بخارجه

مأمورین سیاسی اهم از روسا یا مرتوسین هر کدام موافق شغل خود باید سابق خدمت و اطلاعات کامل داشته باشند و از سیاست مملکت هر کدام بفرار و شغل خود مستحضر باشند تا در خارجه بتوانند آن سیاست را حفظ کنند

مندانک اگر ملاحظه بفرمائید در تمام ممالک خارجه بعضی تغییر سیاست مملکت

فوراً مأمورینشان هم که در خارجه اقامت دارند تغییر می کند و هیچکدام در مأموریتشان باقی نمی ماند دولت امریکا بعضی اینک رئیس جمهوری عوض می شود تمام مأمورینش هم عوض می شوند ولی مملکت ما شکل غریبی است از همه استبداد تا حالا که حکومت شوروی ملی است و مجلس شورای ملی دایر شده است مأمورین ما همان طبقه هستند که در زمان استبداد بوده اند و هیچ سیاست ما در خارجه تغییر نکرده بهمین علت است که سیاست خارجه ما بر همان اساس قدیمی می گردد و صریح است برای این است که مأمورین ما ابدأ تغییر نکرده اند در صورتی که اگر مأمورین ما در خارجه مأمورینی داشتیم که آشنا با اوضاع امروز بوده نه خیلی وضع سیاست خارجه ما بهتر از امروز بود می فرمایند یک مأموری شاید خیلی خوب کار کرده باشد و در یک موقعی ممکن است دولت لازم بداند او در آن نقطه باشد و یا یک امر سیاسی مهمی پیش بیاید یا چندین هزار اگر دیگر یک همچو موردی نماندی پیش بیاید و اهمیت فوق العاده داشته باشد البته دولت در آن موقع می تواند از مجلس شورای ملی درخواست نقض این قانون را بکند که آن مأمور در خارج بماند ولی شما قول می دم که باین زود بیا همجو موقعی پیش نخواهد آمد

و اما مدت ۵ سال هم مافوق مدنی است که برای توقف آنها منظور شده است و لازم است بعد از ۵ سال بیایند در مرکز و یکسال هم در مرکز بمانند و آنها را کراتی بشود و از اوضاع مطلع شوند ملاحظه بفرمائید این سفراتی که از خارجه به تهران آمده اند بندرت اتفاق افتاده است که بعضی از آنها یک مدت مدیدی در ایران بمانند و وقتی هم که مانده اند در هر دوه سالی یک مدت کنترات داشته اند که بمملکت خودشان برونند و از سیاست و احوال روحیه مملکت و ملت خودشان مطلع شوند و بر گردند آیا این ملاحظات را ما هم کرده ایم خیر ما مأموری داریم که بیست سال در یک نقطه مانده است و شاید از بسکه مانده است خودش هم نمی داند مأمور کجا است آقای محقق العلماء فرمودند یکسال برای توقف در مرکز زیاد است عرض می کنم اینکه می شوند آنوقت دولت آنها را احضار می کند بنده عرض می کنم مأمورین سیاسی باید قبل از رفتن به مأموریت متخصص باشند و برونند بخارجه

مخبر - بنده اولاً عرض می کنم خیلی متاسفم که در موضوع این قانون یک توضیحات و دلالتی دارم که اگر عرض کنم کمان می کنم موافق شوند ولی در این موقع نمی توانم کاملاً عرض کنم اما اینکه می فرمایند مأمورین که می شوند آنوقت دولت آنها را احضار می کند بنده عرض می کنم مأمورین سیاسی باید قبل از رفتن به مأموریت متخصص باشند و برونند بخارجه

متمنه موافقت دارد خیر اینطور نیست ولی توان هر مملکتی موافق ضروریات و احتیاجات آن مملکت نوشته می شود گفته شد صحیح است و مأمورین موافق تجربیات حاصله وضع این قانون برای ما لازم است شاید چهار پنج سال دیگر دولت دید که رفع منظور شد و دیگر وجود این قانون لازم نیست آنوقت بمجلس پیشنهاد می کنند و مجلس آنرا نقض میکند

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست گفته شد کافی است

**رئیس -** ماده اول مجدداً قرائت می شود بعد برای می گیریم

( آقای امیر ناصر ماده اول را شرح آتی قرائت نمودند )

ماده اول - مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصلی دولت علیه ایران در ممالک خارجه با استثنای مأمورین افتخاری نباید از پنج سال تجاوز نماید و در انتضاء این مدت مأموریت مجدد آنها بخارجه منوط است و با یک امر سیاسی مهمی پیش بیاید یا چندین هزار اگر دیگر یک همچو موردی نماندی پیش بیاید و اهمیت فوق العاده داشته باشد البته دولت در آن موقع می تواند از مجلس شورای ملی درخواست نقض این قانون را بکند که آن مأمور در خارج بماند ولی شما قول می دم که باین زود بیا همجو موقعی پیش نخواهد آمد

و اما مدت ۵ سال هم مافوق مدنی است که برای توقف آنها منظور شده است و لازم است بعد از ۵ سال بیایند در مرکز و یکسال هم در مرکز بمانند و آنها را کراتی بشود و از اوضاع مطلع شوند ملاحظه بفرمائید این سفراتی که از خارجه به تهران آمده اند بندرت اتفاق افتاده است که بعضی از آنها یک مدت مدیدی در ایران بمانند و وقتی هم که مانده اند در هر دوه سالی یک مدت کنترات داشته اند که بمملکت خودشان برونند و از سیاست و احوال روحیه مملکت و ملت خودشان مطلع شوند و بر گردند آیا این ملاحظات را ما هم کرده ایم خیر ما مأموری داریم که بیست سال در یک نقطه مانده است و شاید از بسکه مانده است خودش هم نمی داند مأمور کجا است آقای محقق العلماء فرمودند یکسال برای توقف در مرکز زیاد است عرض می کنم اینکه می شوند آنوقت دولت آنها را احضار می کند بنده عرض می کنم مأمورین سیاسی باید قبل از رفتن به مأموریت متخصص باشند و برونند بخارجه

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

**مخبر -** بعد از لفظ مأموریت و اقامت اضافه شده بهتر است

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

**مخبر -** بعد از لفظ مأموریت و اقامت اضافه شده بهتر است

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

پس از اتمام مدت ۵ سال تماماً فوراً احضار می شوند یا متدرجاً و آیا این مسئله اسباب تعطیل سیاستان نمی شود

**مخبر -** بنده که درست مقصود آقای آقا سید یعقوب را درست ملتفت نشدم ولی در ماده سوم جا کی جواب یک قسمت از فرمایشات ایشان است در ماده دوم می نویسد کلیه مأمورین دولت ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه مأموریت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود یعنی اگر ۵ سال تمام شده باشد باید بیایند بر کزو و یکسال توقف کنند و اما اینکه می فرمایند تاریخ وضع این قانون آیا با موقع اجرائش در یک زمان خواهد بود؟

مطابق قانون اساسی هر قانونی را که مجلس وضع کرده هیئت دولت باید آنرا بوضع اجراء بگذارد و پس تاریخ وضع و اجراء این قانون همان تاریخی است که از مجلس می گذرد و جواب قسمت اخیر از فرمایشات ایشان هم در ماده سه نوشته شده است که رسوا فوراً و مأمورین دیگر پس از یکسال باید بیایند

**رئیس -** آقای میرزا سید حسن کاشانی ( اجازه )

**میرزا سید حسن -** بنده کاملاً با این ماده موافق هستم که مأمورین دولت از خارجه بیایند دولت از اطلاعات و تحصیلات آنها استفاده بکند و نباید مانع آنها در خارجه طول بکشد که از اوضاع و سیاست مملکت خود بی اطلاع شوند دولت هم از آنها استفاده بکند بنا بر این با این ماده موافق هستم که مدت توقف آنها در خارجه محدود کرده که بیایند و مدت همین در مملکت خودشان بمانند که از اوضاع مطلع شوند

بعضی اظهار نمودند این راجع به ماده اول است و مذاکرات در باره دوم است

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

**مخبر -** بعد از لفظ مأموریت و اقامت اضافه شده بهتر است

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

**مخبر -** بعد از لفظ مأموریت و اقامت اضافه شده بهتر است

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

بمابقی بکنند و شامل ماقبل خودش باشد امروز ما می خواهیم قانون وضع کنیم که شامل ده یا زده سال هم بشود مثلاً امروز مالیاتی وضع می کنیم که شامل ده سال قبل هم خواهد بود خیلی محل تعجب است چگونه می شود به مؤویان مالیاتی گفت که باید از ده سال قبل مالیاتی که شما تا زده موضوع کرده ایم بردارند همین طور سایر قوانین و ابدأ بنده تا بحال نشنیده ام که قانونی وضع کنند که شامل مابقی خود هم بشود بنا بر این بنده از این نقطه نظر با این ماده مخالفم و عقیده ام این است قانونی که امروز وضع می شود امروز باید بموقع اجراء گذاشته شود نه از ده سال قبل

**مخبر -** متأسفانه آقای حاج میرزا مرتضی درست بداخل مطلب توجه نفرمودند و درست بهمنی عطف ماسبق بر نغورند این قانون همان تاریخ وضع و اجراء این قانون می گوید مأمورینی که بخارجه می روند بوجب این قانون باید بعد از پنج سال احضار شوند و در این جا هیچ عطف بمابقی هیچ مورد ندارد و این ماده می گوید آنها هم که تا بحال ۵ سال مانده اند امروز باید احضار شوند و هیچ عطف بمابقی ندارد

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟

**محمد هاشم میرزا -** بلی عرض کردم موافقت

**رئیس -** به بخشید آقای سید علی الملک

**سید علی الملک -** فرمایش بنده که جواب آقای آقا سید یعقوب بود آقای مخبر بیان فرمودند

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** عرضی ندارم

**رئیس -** مذاکرات کافی است اظهار نمودند کافی است

**رئیس -** رأی می گیریم به ماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** لفظ واقامت که آقای مخبر فرمودند بعد از لفظ مأموریت اضافه شود اضافه شد همین ترتیب هم رأی گرفته شد ماده سوم

**آقای امیر ناصر ماده سوم را** بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده سوم - وزیر امور خارجه مأمور است که مفاد دوماده فوق را نسبت به سفراء و وزرائ قنصل ها و سایر مأمورین در ظرف یکسال از تاریخ وضع این قانون بموقع اجراء خواهد گذاشت

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** عرضی ندارم

**رئیس -** مذاکرات کافی است اظهار نمودند کافی است

**رئیس -** رأی می گیریم به ماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** لفظ واقامت که آقای مخبر فرمودند بعد از لفظ مأموریت اضافه شود اضافه شد همین ترتیب هم رأی گرفته شد ماده سوم

**آقای امیر ناصر ماده سوم را** بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده سوم - وزیر امور خارجه مأمور است که مفاد دوماده فوق را نسبت به سفراء و وزرائ قنصل ها و سایر مأمورین در ظرف یکسال از تاریخ وضع این قانون بموقع اجراء خواهد گذاشت

**رئیس -** آقای رئیس التجار ( اجازه )

**رئیس التجار -** بنده باین لفظ فوراً که در بیان ماده نوشته شده مخالفم و عقیده ام این است که سه ماه باید وقت قرار داده شود همین طور هم پیشنهادی کرده ام

**رئیس -** همین پیشنهاد را هم آقای زنجانی کرده اند محمد هاشم میرزا ( اجازه )

**محمد هاشم میرزا -** در این ماده مخالفت بنده برای این است که اشکالی که آقای دولت آبادی کردند وارد است برای اینکه اگر لفظ فوری باشد ممکن است نام سفراء و نواب و شازدها و غیره بگردد بیاید و در سفارت کسی نماند و اگر این پیشنهادات آقایان زنجانی و رئیس التجار قبول شود مرض ندارم الا در اجراء آن تصور می کنم اشکال پیش بیاید و بنده مخالفم

**رئیس -** دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان زنجانی و رئیس التجار رسیده است قرائت میشود

**دو فقره پیشنهاد فوق را آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند**

بنده پیشنهاد میکنم در ماده سوم عوض لفظ فوراً تا سه ماه نوشته شود

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم این قسمت نوشته شود

وزیر امور خارجه مفاد دوماده فوق را نسبت به سفراء و وزرائ مختار و مقیم در ظرف سه ماه و نسبت به زرنال قنصل ها و سایر مأمورین در ظرف یکسال از تاریخ وضع این قانون بموقع اجراء خواهد گذاشت

**رئیس التجار**

**رئیس -** آقای زنجانی توضیح بدهند

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی -** عرض می کنم اولاً لفظ فوراً هیچ حدی ندارد و خیلی اسباب زحمت است اگر مثلاً بعد از ده روز هم مأمورین را بخواهیم احضار کنیم نمی توانیم چه رسد بفوری فوراً چیز ناصحی است ناهوش آنها را تهیه کنند و مخرج سفر آنها را بدهند اگر در ظرف سه ماه هم انجام بدهند باز هم خیلی خوبی خوب است و باید آنها خیلی هم تعجیل کنند و لفظ فوراً خیلی مشکل است و ابدأ این مورد ندارد و این است که بنده پیشنهاد کردم نوشته شود در ظرف سه ماه

**رئیس -** آقای مخبر در این باب چه می فرمائید

**مخبر -** ضرر ندارد نوشته شود منتهی در ظرف ۳ ماه

(گفته شد صحیح است)  
**رئیس التجرار** - بنده هم بایشهاد آقای زنجانی موافق می‌شوم و پیشنهاد خود را مسترد میدارم  
**رئیس** - آقای زنجانی فسانع شدید؟  
**آقای شیخ ابراهیم** - بله منتهی در ظرف سه ماه خوب است و متقاعد می‌شوم.  
**رئیس** - این ماده با اصلاحی که آقای ممبر کردند قرائت می‌شود بند **دای می گیریم**  
**آقای امیر ناصر بشرح ذیل** قرائت نمودند  
**ماده سوم** - وزیر امور خارجه مأمور است که از تاریخ وضع این قانون مفاد دو ماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و مقیم و ژنرال قنصل‌های دولت علیه منتهی در ظرف سه ماه و نسبت بسایر مأمورین منتهی در ظرف یکسال بپوشانند  
**رئیس** - آقای نصیر السلطنه (اجازه)  
**نصیر السلطنه** - خوب است این طور اصلاح شود نسبت به سفراء و وزراء مختار و مقیم و ژنرال قنصل‌های دولت علیه ایران تا سه ماه و سایر مأمورین از تاریخ وضع این قانون منتهی در ظرف یکسال بپوشانند  
**رئیس** - این قسم همان اصلاح آقای ممبر است و تفاوتی ندارد فقط برای اینکه لفظ (منتهی در ظرف) تکرار نشود بهتر است.  
**رئیس** (گفته شد صحیح است)  
**رئیس** - ماده سوم باین اصلاحی که شد قرائت می‌شود و رأی می‌گیریم (آقای امیر ناصر قرائت نمودند)  
**ماده سوم** - وزیر امور خارجه مأمور است که از تاریخ وضع این قانون مفاد دو ماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و مقیم و ژنرال قنصل‌های دولت علیه در ظرف سه ماه و نسبت به سایر مأمورین منتهی در ظرف یکسال بپوشانند  
**رئیس** - رأی می‌گیریم به ماده سوم آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند.  
**جمع کثیری قیام نمودند**  
**رئیس** - تصویب شد مذاکرات در کلیات است آقای اقبال السلطان (اجازه)  
**اقبال السلطان** - مسکرت گفته شد قوانینی که مجلس شورای ملی وضع می‌کند قابل تغییر و تفسیر و نقض و حذف است و برای علت همینقدر گفته شده مقتضیات سیاست مملکت در بعضی مواقع ایجاب می‌کند که یک قانونی را حذف یا یک موادی را تغییر دهند با اشکالاتی که در طرز معنی

ماده پیش می‌آید رفع کند ولی آن علت اصلی که موجب حذف مواد قانون و تغییر مواد می‌شود گفته نشد و آنوقت نظر و هوش و ذکاوت نظری آن اشخاصی است که کرسی پارلمان را اشغال میکنند که در یک ماده از قانون اعتراضاتی میکنند و با دلیل حذف او را پیشنهاد میکنند و این قانونیکه ما فعلاً وضع میکنیم چون بطوریکه لازم است در اطراف او دقت بعمل نمی‌آید و یک نظریات خصوصی در کار است که وضع یک قانونی را ایجاب میکند و ما با این نظریات خصوصی میخواهیم این قانون را وضع کنیم لذا در آنجا چهار مشکلاتی خواهد شد که شاید بعضی این قانون را بمجلس دیگر پیشنهاد کند آنچه که از زمینه مذاکرات فهمیده شد  
**علت وضع این قانون برای تنبیه** بعضی از مأمورین است که یک پشتیبانی کرده اند و مطابق این قانون می‌خواهند از آن تشبثات جلوگیری کنند و بنده عقیده ام این است که باید یک قانونی وضع شود که اصلاً تشبثات نشود و مأمورین نتوانند تشبث نکنند باید فهمید که این تشبثات برای چه پیش می‌آید برای این است که مأمورین و منتظرین خدمت در دوائر دولتی مابیش از حد لزوم است و هر کدام از آنها بخواهد یک کاری بیاکند مأمورینی می‌دهند و آنها بجزمت یک مقامی را بدست می‌آورند وقتی که آن مقام را بدست آوردند حتی الامکان سعی و کوشش میکنند که آن مقام را برای خود نگاهدارند حق هم دارند آن کار را بکنند بجهت اینکه وقتی بآنها تئیر مأموریت دارند میدانند که چند سال دیگر باید بیکار و منتظر خدمت باشند تا نائیباً مأموریت جدیدی پیدا کنند  
**پس معنی این است که هر کاری به آنها رجوع می‌شود حتی الامکان بطوریکه که شده تشبثات میکنند و آن شغل را برای خود نگاه می‌دارند که یک مدت مدیدی سرگردان نباشند اگر پرسل وزارتخانه‌ها مرتب بود هیچوقت از این تشبثات نمیشود و فلان مأمور دولت را وقتی می‌خوانند و میگفتند از این مأموریت بفلان مأموریت برو دیگر ابدأ از این تشبثات نمی‌کرداگر مأمورین را مطابق اصول معینی عزل و نصب میکردند هیچوقت از این تشبثات هانمی‌شد اگر مأمور را برای علت و جرم معینی بفرمانند عزل کنند هیچجا نمی‌توانند تشبث بکنند و اگر هم بکنند بآن طرف مقابل هر کس که باشد وقتی گفتند که این مأمور در مأموریت خودش خیانت کرده و باید عزل شود البته آن واسطه هم هیچوقت از آن مأمور حمایت نخواهد مسکرت و ابقای او را ایجاب پیشنهاد نخواهد نمود و قتیکه پرسنل وزارتخانه‌ها مرتب باشد**

صاحب باشد و مأمورینیکه بخدمت میروند خدمات آنها را رعایت کنند هیچوقت دچار این مشکلات نخواهیم شد که یک قانون خود را تغییر بدهیم تئیر مأمورین بعهده وزیر است و وزیر مسئول است و وزیر مسئول هر وقت میل دارد و صلاح میدانند مأمورین خودش را تغییر می‌دهد  
**مثلاً مأمور شیراز را بکرمان میفرستند یا مأمور خراسان را باذربایجان روانه می‌کنند مأمورینی که بخواهد باید بتواند تغییر بدهد. من مخالفت باین مطلب ندارم که مأمورین سیاسی نباید ده سال در یک محل باشند.**  
**خیر باید مأمورین سیاسی را چند وقت بچند وقت تغییر بدهند و همچنین مأمورین داخله را هم باید هر چه بچند وقت تغییر بدهند از این محل بآن محل و یکمدهت زیادی در یک محل معین نباید بمانند در این موضوع ابدأ مخالفت ندارم ولی برای این تغییر مأموریت لازم نمی‌دانم یک قانونی وضع کرد این حق وزیر است یعنی هر وقت وزیر مسئول صلاح بداند که یک مأمور در یک مملکت خارجه یا در یک ولایتی بیست ساله بماند تا از او استفاده حاصل بشود یا اگر مقتضی می‌داند از این محل بآن محل تغییر مأموریت بدهد پس وزیر در این قبیل امور باید مختار باشد و نباید یک قانون برای اینکار وضع نمود چون این قانون تولید اشکال برای وزیر میکند زیرا که جلوی وزیر را در اختیاراتی که دارد میگیرد و بقیه بنده همانطور که اول عرض کردم باید کاری کرد که مأمورین دولت نه در داخله و نه در خارجه تشبث بنمایند باید این را دست کرد که تشبث بعمل نیاید آن بکنند زیر اشکال معلوم نیست البته اگر شغل معلوم باشد هیچوقت تشبث نمی‌کند  
**رئیس** - آقای مستشار السلطنه **مستشار السلطنه** - عریض بنده گفته شد.  
**رئیس** - آقای حاج میرزا علی محمد بالاچه موافق هستند؟  
**حاج میرزا علی محمد** - با لایحه موافق ولی یک چیزهایی می‌خواهم باین لایحه اضافه کنم ولی در اصل لایحه رضی ندارم.  
**رئیس** - بفرمائید.  
**حاج میرزا علی محمد** - یک چیز باید در این لایحه ملاحظه کنم که یک جنبه اقتصادی دارد و آن این است که قطع نظر از مأمورین دیپلماتیک بکنند یک عده اشخاص مزدور از قبیل منشی یا مترجم فرانس بپوشد قرائت و غیره دوسال در خانه‌های ما در خارجه هستند که آنها را**

اصلاً نمی‌توان در زمره مأمورین دیپلماتیک دولت شمرده زیرا که آنها از دوائر مسیاس خارجه و بقیه ما بنده در این ماده باید قید شود که آنها از این ترتیب و از این قانون مستثنی هستند زیرا باین ترتیب که فعلاً نوشته شده آنها هم مشمول این لایحه قانون خواهند بود و چون آنها مواجب کزاف و زیادتی ندارند نباید آنها را مجبور کرد باوطنان خود هودت کرد و مدتی بیکار باشند در حال بقیه بنده باید تصریح شود آنها از این قانون مستثنی هستند  
**مخیر** - یک طبقه از مأمورین که داخل دوسالست نیستند از قبیل قرائت و پیشخدمت هیچوقت از مرکز فرستاده نمی‌شوند و از اهل محل هستند  
**ولی یکمده دیگر از قبیل مترجم و منشی آنها جزو مأمورین سیاسی و جزو کاربر اداری هستند مثلاً نائب و سکرتر منشی یک سفارتخانه را نمی‌توان جزو مزدور حساب کرد زیرا آنها مأمورین رسمی و سیاسی وزارتخانه هستند و بنابراین باید این قانون شامل آنها هم بشود  
**رئیس** (گفته شد صحیح است)  
**رئیس** - آقای شیخ اسدالله **حاج شیخ اسدالله** - بنده موافقم.  
**رئیس** - آقای حائری زاده (اجازه)  
**حائری زاده** - چون شور در کلیات است بقیه بنده خوب وزیر خارجه هم در مجلس حضور داشته باشد که با حضور ایشان این قانون تصویب شود چرا که این قانون را باید دولت اجرا کند حالا اگر دولت در کمسیون با جاهای دیگر در این باب اظهار عقیده کرده است بنده اطلاع ندارم.  
**ولی در شور اول وزیر خارجه در مجلس حضور نداشته و حالا هم که شور دوم است ایشان خاتمه پیدا کند شاید عملی نباشد آن وقت فایده برای ما نخواهد داشت زیرا ما قانون را برای اجرا شدن انشاء میکنم نه بطور مرامنامه از این جهت بنده عقیده دارم که در این موقع آقای وزیر امور خارجه هم باید در مجلس حضور داشته باشند با حضور ایشان این قانون ختم بشود  
**بطوریکه در شور اول عرض شد این طرح قانونی که پیشنهاد کردند بدو جهت دولت مراجعه شود و پس از ملاحظه و دقت نظر ایشان بکمسیون آمد و در کمسیون خارجه هم آقای وزیر امور خارجه تشریف داشتند و موافق بودند گفته شد مذاکرات در این موضوع کافی است  
**رئیس** - رأی می‌گیریم **مخیر** - با اصلاح عبارتی که بنده کرده ام******

**رئیس** - آقای مغیر پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای عبارت کرده باشد لفظ (کنند) نوشته شود با این اصلاح عبارتی کسی مخالف نیست  
**اظهاری نشد**  
**رئیس** - رأی می‌گیریم **بکلیه** این لایحه و طرح قانونی آقایانی که این طرح قانونی را تصویب می‌کنند قیام فرمایند  
**اکثر نمایندگان قیام نمودند**  
**رئیس** - تصویب شد  
**آقای شیخ الاسلام ملایری پیشنهاد** کرده اند اعتبار نامه آقای حاج مغیر السلطنه جزو دستور شود و مخالفی هست یا نه  
**رئیس** (گفته شد خیر)  
**رئیس** - آقای سلیمان میرزا  
**سلیمان میرزا** - البته آقایان فراموش نفرموده‌اند در موقعی که آقای حاج مغیر السلطنه تشریف نداشتند اعتبار نامه ایشان در مجلس مطرح شد بنده مطالبی اظهار کردم که برای اطلاع از صحت و سقم آنها نظر به پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا مجلس رأی داد که مسئله اعتبارنامه ایشان مسکوت عنه باشد تا خودشان تشریف آورده و از خود دفاع نموده برائت ذمه خودشان را حاصل نمایند در حال اگر لازم است بنده آن مذاکرات سابق را مجدداً تکرار می‌کنم که ایشان اگر دفاعی دادند از خود بفرمایند تا پس از اطلاع به مسائل که ایشان در ضمن دفاع خود بیان خواهند فرمود نظریات آقایان و کلام هم معلوم شود بهر حال بنده مطالب گذشته خود را بطور فهرست یادآوری می‌کنم یکی از اصول مسلمه که هیچ قابل تردید و معال انکار نیست این است که در مملکتی که حق شناسی و پاسی خدمت معمول و حکمفرما نباشد در جامعه که هیچوقت حس قدرشناسی و رعایت خدمات اشخاص متداول نیست در آن مملکت و محیط هیچوقت اشخاص درست و صحیح العمل پیدا نخواهد شد اگر حق شناسی و حسن قدردانی در مملکت ما وجود داشت این مطلب امشب در اینجا مطرح نمی‌شد و قدرها کاری اشخاص صالح هم بهتر میرفت بنا بر این بنده در این مجلس بیاس حفظ حقوق عمومی و بالاخص کسانی که در راه مشروطیت و اساس آزادی و حریت و استقرار استقلال و امنیت خدمت بملت و جان فشان در راه مملکت نموده‌اند خود را موظف می‌دانم که این عریض را عرض کنم در صورتی که بهیچوجه با شخص معترمی که طرف گفتگو و اعتراض من است سابقه سوسی ندانم بلکه بالعکس همه می‌دانند که نسبت بفامیل ایشان مخصوصاً مرحوم صنیع الدوله چه آزادی داشته‌ام اما در موضوع قانون و حفظ عمومی این حرفها نیست اشخاصی که از وقایع آذربایجان اطلاع دارند شخص آقای مغیر السلطنه را بقتل آدم بزرگی مثل مرحوم خیابانی یکی از آزادیخواهان

و احرار معروف این مملکت بودند متهم می‌دانند و بوقول بعضی اشخاص دیگر وقتی وقایع آذربایجان پیش آمد آن دقت و ورسیدگی که ایشان باید در حفظ قیدی مرحوم بفرمایند نفرمودند تا اینکه شخص بزرگی مثل مرحوم خیابانی از بین رفت بنده گمان می‌کنم از نقطه نظر آزادی خواهی و اینکه شخص مقتول و کبیل هم بوده باید بیشتر در کتبه مسئله غور و رسیدگی کرد  
**(از طرف بعضی و کبیل نموده‌اند)**  
**سلیمان میرزا** - گمان می‌کنم آقایان اطلاع داشته باشند که بنده در کمسیون تحقیق انتخابات آذربایجان حضور بوده و سخات داشته‌ام دوسه و رایورتهای انتخابات را هم ملاحظه کرده‌ام ایشان در موقع انتخابات آذربایجان حاضر اکثریت بود و از طرف اهالی آذربایجان بست نماینده‌گی انتخاب شده بودند  
**رئیس التجرار** - ولی قبول نکرده بودند  
**سلیمان میرزا** - حالا قبول کرده یا نکرده بودند کاری ندارم در حال ایشان مانند همه مدعی‌الوکاله‌ها از حوزه انتخابیه اکثریت داشتند و استخراج آراء و کالت هم باسم ایشان شده بود  
**(از طرف بعضی‌ها گفته شد صحیح است)**  
**سلیمان میرزا** - بنده که عرض کردم ایشان و کبیل بوده‌اند مقصود این نیست که رایورت اعتبار نامه ایشان در شعبه یا در مجلس آمد و رد یا قبول شد آقایان با اکثریت قیام و قعود فرموده‌اند بنده عرض این است که در آن تاریخ اهالی آذربایجان فقید مرحوم را برای وکالت خودشان معین کرده و با اکثریت درباره ایشان رأی داده بودند حالا قبول کرده یا نکرده است هیچ کدام معلوم نیست شما با کدام سند می‌فرمائید مرحوم خیابانی قبول نکرده بود هیچ معلوم نیست  
**بنده موافق اطلاعات خودم عرض می‌کنم** ایشان با اکثریت اهالی آذربایجان برای عضویت وکالت در مجلس انتخاب شده بودند بنده صاف عرض می‌کنم که اگر ما حفظ حقوق خودمان را می‌خواهیم باید در این نوع مسائل از قبیل واقعه مرحوم خیابانی و مشارالین دقت بیشتری معلوف کرده و تحقیقات کاملتری نمائیم و نباید این نوع مسائل را بهمین سهلی و سادگی تلقی کرد من نمی‌دانم آزادی در این مملکت چه مقامی دارد پس از آنکه یک و کبیل از یک حوزه انتخابیه انتخاب و برگزیده شد آنوقت گفته می‌شود آیا ما نباید تحقیق کنیم که چطور و بچه جهت و برای چه گفته شده است؟ یا در کدام محکمه محاکمه شده و حکم با کدام صادر شده است بعضی می‌گویند مأمورین بروی او هلیک کرده‌اند برخی دیگر می‌گویند که خودش انتحار نموده

است بسیار خوب ما چه می‌دانیم کدام صدق و کدام کذب است ما باید اصل مسئله و کیفیت را بدانیم والا بنده صاف عرض می‌کنم که هر کس در قتل مرحوم خیابانی شرکت کرده باشد بنده او را از تمام حقوقات ملی و مدنی محروم می‌دانم چه رسد باینکه رأی بدهم کرسی وکالت را اشغال کند در حال بعضی‌ها وقایع اخیر آذربایجان را که مهمترین آن قضیه قتل مرحوم خیابانی است که متنبه آقای مغیر السلطنه دانسته و اظهار مبدارند که در زمان حکومت ایشان این سوانح بامر ایشان رخ داده است بنده از نقطه نظر آزادی خواهی همانطور در موقعی که بودجه از مجلس می‌گذشت به بانک بلند فریاد می‌زدم معذرت می‌خواهم از آنکه روح از بدن من پرواز کرد و رخت بهالم دیگر بست (حالا آن روح خواه طیب و خواه خبیث قضاوت و تشخیص آن باخلاق متعال و خداوند رحمن است جسد بیروح معتر است  
**فرض این است که شرها و اخلاقا چنانچه** ملیت و جسد هر مرده گرامی است اگر این مطلب راست باشد بنده میدانم چرا آقای مغیر السلطنه مبادرت بچنین امری نموده‌اند و حقیقتاً میدانم چه معنی برای این امر میتوان فرض کرد  
**این ترتیبی که ایشان اعمال و رفتار** نموده‌اند مطابق مقررات کدام قانون است در این مملکت زنده که آسایش ندارد کافی نیست پس از مردن هم دست از جسم بی‌روح و جسد بی‌جان او بر نیاندازند اگر این ترتیب راست باشد واقعا خیلی خوب حفظ حقوق مردم میشود باز بنده شنیده‌ام بعد از اینکه این قضایا رخ داد در موقع قارت شهر اهمال و مسامحه کاری در جلو گیری و منع از تناول و قارت شهر شده و در نتیجه از شهر تبریز بدبخت فلك زده که در تمام دوره مشروطیه غیر از قارت و صدمه اهالی بدبخت آنجا نصیب و بهره دیگری نداشته چهارصد خانه قارت کرده‌اند  
**اهالی بدبخت تبریز و آذربایجان** می‌ور که در این مدت حیات آزادیخواهانه و احساسات حریت پرورانه خود را از دست نداده‌اند همه وقت در زیر آتش و فشار بوده‌اند و اداشی جز سوختن نداشته‌اند بالاخره بعد از اینکه وقایع تمام شد و خیابانی بدبخت مقتول گردید بطوریکه عرض مسکرم چنانچه آن مرحوم را جلو دارالکرمه گذاشته که مردم بیابند و عبرت حاصل کنند و چند روز جنازه آن مرحوم باین حال باقی بوده است آقای مغیر السلطنه که در آن وقت حاکم و متصدی نظم حدود و ثغور آن سامان بوده‌اند خوب است آنها را توضیح بفرمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود اما از همه آقایان انصاف می‌خواهم اگر این مطالب چنین عملیاتی نموده باشد آسازوار است که در این جا کرسی وکالت را اشغال کرده و حفظ حقوق قاطبه و جامعه ملت را بنیاید بنده گمان نمی‌کنم چنین شخصی شایسته اشغال این کرسی و مسند در جمعه باشد زیرا

تصدی ایشان در آذربایجان بوقوع بیوسته باید آقایان و کلازه آذربایجان بیان فرمایند من جمله بنده شنیده‌ام پس از آن که تبریز گرفته و تسخیر شد و مرحوم خیابانی کشته شد جنازه آن مرحوم را جلو درب دارالکرمه چندین ساعت متوالی برای استحفاف و توهین نگاهداشته‌اند فرضاً شخص مقتول جانی هم باشد ولی در تمام مذاهب و ادیان جسد مرده معترم است خوب شما بازنده من کار دارید ولی پس از آنکه روح از بدن من پرواز کرد و رخت بهالم دیگر بست (حالا آن روح خواه طیب و خواه خبیث قضاوت و تشخیص آن باخلاق متعال و خداوند رحمن است جسد بیروح معتر است  
**فرض این است که شرها و اخلاقا چنانچه** ملیت و جسد هر مرده گرامی است اگر این مطلب راست باشد بنده میدانم چرا آقای مغیر السلطنه مبادرت بچنین امری نموده‌اند و حقیقتاً میدانم چه معنی برای این امر میتوان فرض کرد  
**این ترتیبی که ایشان اعمال و رفتار** نموده‌اند مطابق مقررات کدام قانون است در این مملکت زنده که آسایش ندارد کافی نیست پس از مردن هم دست از جسم بی‌روح و جسد بی‌جان او بر نیاندازند اگر این ترتیب راست باشد واقعا خیلی خوب حفظ حقوق مردم میشود باز بنده شنیده‌ام بعد از اینکه این قضایا رخ داد در موقع قارت شهر اهمال و مسامحه کاری در جلو گیری و منع از تناول و قارت شهر شده و در نتیجه از شهر تبریز بدبخت فلك زده که در تمام دوره مشروطیه غیر از قارت و صدمه اهالی بدبخت آنجا نصیب و بهره دیگری نداشته چهارصد خانه قارت کرده‌اند  
**اهالی بدبخت تبریز و آذربایجان** می‌ور که در این مدت حیات آزادیخواهانه و احساسات حریت پرورانه خود را از دست نداده‌اند همه وقت در زیر آتش و فشار بوده‌اند و اداشی جز سوختن نداشته‌اند بالاخره بعد از اینکه وقایع تمام شد و خیابانی بدبخت مقتول گردید بطوریکه عرض مسکرم چنانچه آن مرحوم را جلو دارالکرمه گذاشته که مردم بیابند و عبرت حاصل کنند و چند روز جنازه آن مرحوم باین حال باقی بوده است آقای مغیر السلطنه که در آن وقت حاکم و متصدی نظم حدود و ثغور آن سامان بوده‌اند خوب است آنها را توضیح بفرمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود اما از همه آقایان انصاف می‌خواهم اگر این مطالب چنین عملیاتی نموده باشد آسازوار است که در این جا کرسی وکالت را اشغال کرده و حفظ حقوق قاطبه و جامعه ملت را بنیاید بنده گمان نمی‌کنم چنین شخصی شایسته اشغال این کرسی و مسند در جمعه باشد زیرا

این شخص قبلاً امتعانات خود را داده و حفظ حقوق مردم را در ایام زمامداری و فرمانروائی خود نموده و حیات نوپورروانه خود را بمنصه ظهور رسانیده است باری باندازه که بنده مسئولیت داشتم عرایض خود را عرض کردم و چون میخواستم رأی بدم باید حقیقت مسئله بر بنده معلوم و مکشوف گردد تا بتوانم از روی تحقیق و صحت رأی بدم حالا باز تکرار میکنم که منوط بنظریه اکثریت است البته هر چه اکثریت مجلس شورای ملی رأی بدهد مطاع و متبع است و چون بنده در این مسائلی که عرض کردم نظر شخصی و خصوصی با کسی ندارم و فقط مقصود کشف حقیقت بوده است لذا مقتضی است که خود آقای مخبر السلطنه دفاعات خود را کرده و استنادیکه برای تبرئه خودشان لازم است ارائه دهند تا بنده هم قانع شوم

**رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده هم با مطالب مخالفند و**  
**آقا سید یعقوب - بنده هم با مطالب حضرت والا موافقم**  
**رئیس - آقای رئیس التاجار ( اجازه )**

**رئیس التاجار - بنده کاملاً این فرمایش حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا را تصدیق دارم که می فرمایند باید حق شناس و قدر شناس بود و یاس خدمات کسانی را که باین آب و خاک از جان و دل خدمت کرده اند منظور داشته و در همان حال هم کاملاً مستقیم که باید اگر اشخاص پیدا شوند که در مملکت اسباب اختلال نظم و استقلال مملکت را فراهم آورند اگر دولت مشروع اقداماتی برای قلع و قمع آن ها بنماید آن اقدام قابل تقدیر و تقدیس است و باید یاس خدمات آن دولت را هم منظور و ملحوظ داشت ولی بنده با دو قسمت از فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا مخالف یک قسمت در اصل موضوع است که بمقیه بنده باتمامزبانی که برای اقدامات و خدمات اولیه مرحوم خیابانی قائل شدند باید عملیات اخیر و اقدامات بعداً مرحوم را هم در نظر آورده و آنرا تحقیق نمود و معلوم کرد همانطور که حضرت والا فرمودند در آن موقع تشریف نداشتند و فرمایشی که فرمودند مسموعات بوده بنده هم در اینجا نبوده و عرایضی که عرض میکنم مسموعات و نشریات است ولی در حال هر دو طرف قضیه قابل تحقیق است و بنده هم با فرمایش حضرت والا که میفرمایند هر کسی در قتل مرحوم خیابانی شرکت داشته باید از حقوق مدنی محروم شود موافقم و ما باید ببینیم راه تحقیق این مسئله و این ادعای موهوم چیست بنده از تمام آقایان سؤال**

میکنم آیا چه چیز بالاتر از این است که شخصی مثل آقای مشیر الدوله که مجلس بالا اتفاق اظهار اعتماد نسبت به ایشان کرده و با اکثریت تمام درباره ریاست وزرائی معظمه رأی داده این مسئله را تکذیب فرمودند با اینکه ایشان قبل از ریاست وزرائی خودشان در ایامیکه سمت نمایندگی داشتند در آن شبیکه اگر نظر آقایان باشد همین مذاکره در این مجلس بیان آمد ایشان در پشت همین کرسی نطق ایستادند و یک شرح مفصل و مسطوی از اطلاعات خودشان بیان فرمودند دائر بر عدم دخالت دولت و مامورین وقت در قتل مرحوم خیابانی و بنا بر فرمایشات آقای مشیر الدوله که هیچکس نمی تواند منکر ملتخواهی و مشروطه طلبی ایشان بشود معلوم شد بعد از آنکه کابینه و توفیق الدوله تغییر کرد و آقای مشیر الدوله رئیس الوزرا شد اولاً اقدامات مجدانه برای افتتاح مجلس فرمودند و ضمناً اقداماتی برای رفع غایبه آذربایجان مبدول فرمودند و نیز فرمودند که من هر چه خواستم مرحوم خیابانی را متقاعد کنم که افلا حاکمی که از طرف دولت داده می شود بپذیرند ایشان راضی و متقاعد نشدند و صریحاً اظهار فرمودند که مسئله قتل مرحوم خیابانی ابتدا بپیل دولت و امر آقای مخبر السلطنه نبوده و جداً نسبتی که به آقای مخبر السلطنه داده میشود تکذیب فرمودند .

خوب! حالا چه دلیل و چه برهانی و تحقیقی است بالاتر از فرمایش رئیس - الوزرا فعلی ما که آن شب مرات را مفصلاً بیان فرمودند اگر بگوئیم رئیس - الوزرا ما آن بیانات را ندانسته گفته اند آنوقت چه اظهار اعتمادی است که ما ایشان کرده ایم و اگر اظهار اعتماد ما بجا بود و ایشان را صادق میدانیم دیگر نباید تردیدی در صدق فرمایشات ایشان داشته باشیم و اما در موضوع و کالت مرحوم خیابانی که با سوه تفاهمی بین بنده و حضرت والا شده است ایشان فرمودند مرحوم خیابانی وکیل بود نه باین معنی که آن مرحوم از حوزه انتخابیه حائز اکثریت و بسست نمایندگی مجلس انتخاب شده بود نه در اینکه ایشان جزء و کلاه بود نه هیچ تردیدی نیست ولی حضرت والا نباید فراموش فرمایند در موقعیکه اختیار نامه آقای وحید الملک مطرح مذاکره و شور شد ایشان برای صحت انتخاب آقای وحید الملک مستمسک باین حد که مرحوم شیخ محمد خیابانی قبول و کالت نکرده بود نه ضمناً تلگرافی را که مرحوم خیابانی به شاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره کرده

بودند سند و دلیل قرارداد در نتیجه مطلب بنده و دیگران هم موافق شده بود کالت آقای وحید الملک رأی دادیم بعلاوه نباید فراموش کرد که تمام مذاکرات مجلس در ولایات ایران منتشر و توزیع می شود و اگر درست دقت کنیم خواهیم دید باینکه رئیس الوزرا وقت این مسئله را صریحاً تکذیب کرده اند چه تأثیرات سوئی از این مذاکرات در خارج و در سایر ایالات و ولایات منعکس می شود خود این مذاکرات باعث تجری انزار و باغبان ملک شده و آنانرا در اعمال سبیه که حرکات باغبانه و نکوبیده خود بیشتر جرسور و متجری میسازد زیرا فلان شخص یا فی افلان اشرا و جرامی بوشهر و سیستان که سابقه باخیالات آزادی خواهانه مرحوم خیابانی ندارد وقتی که این چیزها را خوانند بغیال می افتند که دامنه شرارت و فساد و باهی گری وطنیان و بالاخره جسد خود را وسعت بدهد آنوقت از دو حال خارج نیست یا غالب است یا مغلوب اگر غالب شد که معلوم است هر چه میخواست می کند و اگر مغلوب شد مطمئن است که کسانی در مجلس هستند از او دفاع می کنند آنوقت مثل مسئله شاهزاده عین الدوله می شود که مامورین دولت میروند و آنهارا رام نمیدهند و اگر واقعه خراسان و گیلان را قوام السلطنه و آذربایجان را مشیر الدوله اصلاح نکرده بودند آنوقت ملاحظه میفرمودید کار ایران بکجا منجر میشد مسلماً هرج و مرج تمام ایران را فرا میگرفت

**سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم -**  
**رئیس - بفرمائید**  
**سلیمان میرزا - گمان میکنم آقای رئیس التاجار اشتباه فرموده باشند ایشان فرمودند در موقعیکه بنده جزء کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان بوده ام و مواظف اظهار کرده ام مرحوم خیابانی قبول و کالت نکرده اند لکن گویا فراموش فرمودند تلگرافی که از طرف مرحوم خیابانی بشاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره شده بود و بنده در این جا ارائه دارم و همچو اظهار کردم که ما سند قاطعی در رد و قبول و کالت مرحوم خیابانی در دست نداریم و فقط یک تلگراف جوایبه است که در مقابل تلگراف تبریک از طرف دیگران بشاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره کرده است و راجع بمقیه شخص خودش که آیشخصاً قبول و کالت کرده است یاخیر هیچ اظهاری نکرده است از خود آن مرحوم هم کهنی شود فعلاً تحقیق کرد که تو قبول و کالت کرده یا نه و هیچ سندی در دوسیه نیست که حاکی باشد از اینکه مرحوم خیابانی قبول و کالت کرده است یا نه غرض بنده این بود که جریان کار این طور است و الا بنده عرض نکرده ام مرحوم خیابانی قبول**

و کالت نکرده اند و با مطالب دیگری هم هست که اجازه خواسته ام و در موقع خودش عرض خواهد کرد

**رئیس - جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و خود آقای مخبر السلطنه هم مرتبه هشتم از آن اشخاصی هستند که اجازه خواسته اند ولی بنده گمان می کنم در این موقع خود ایشان بر سایرین مقدم باشند ( از طرف و کلاه گفته شد صحیح است )**

**رئیس - آقای حاج مخبر السلطنه ( اجازه )**  
**حاج مخبر السلطنه - بنده اجمالاً آنچه را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند تکذیب می کنم حالا برویم سر مسئله ایشان فرمودند باید سیاستگذار بود و نسبت بخدمات اشخاص صالح قدر شناس حق شناس بود اگر مردم دیگر بعرف آذربایغواه بوده و بعرف اقدامات مشروطیت طلبانه نموده اند من آدمی هستم که آنچه تا کنون کرده ام تمام عملی بوده است انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی را من کردم آقای مشیر الدوله در دوران تیه وارد شدند و فرمودند حاکم طهران نمی فهمد انتخابات طهران را بطور انجام دهد باید حاشیه برای آن نوشتن حاشیه نوشتن و گفتم میروم که انتخابات را انجام دهم و در آن روزی که مصادرت مدرسه نظام که فعلاً هدایه است انتخابات را بچوب و بزور خود انجام دادم در حالتی که شش نفر در اطاق نشسته بودند و حکم قتل و اعدام مرا می دادند آقایان اگر من آنروز شخصاً انتخابات را انجام نداده بودم اگر چه حاجا به علماء نکرده بودم شاید بعضی از آقایان مستعجب باشند که در آنوقت بنده سادات لاریجانی را از حوزه انتخابیه بیرون کردم شاید اساس این مجلس امروز استوار نبود فرض این است که من با همجو استبدادی و کلاه ملتا در روز هفدهم شعبان بسلام بدم و با هزاران زحمت مجلس را دائر و کلا ملتا را انتخاب کردم من آن آدمی هستم که در خدمت به آزادی و مشروطیت پیشقدم شده و یکسال تمام واسطه بین دولت و مجلس بهارستان بودم و هر کس که اینجا حاضر و ناظر بود می دانند من چه خدمتانی در راه ایران نموده ام شاید بعضی ها فوت کرده اند اما اقبال الدوله و صاحب اختیار حاضرند و می دانند که دست خط مشروطیت شما را من از شاه گرفته و صادر کردم شاید خود آقای مؤمن الملک رئیس محترم فعلی مجلس هم مسبوق باشند در حال مرحوم مشیر الدوله زنده بود که بنده آنرا بعه هشت نفر مرا حضور شاه بدانجا نه بروم صاحب اختیار و امیرها در به اندرون حضور راه رفته و مرا تبارا بعضی های پوئی رسانده در مراجعت از اندرون اظهار داشته که هزل مسیونوز را شاه قبول کرد ولی**

اصطای مشروطیت را بهیچوجه قبول نمی کند حالا اگر بیخوام قضیه را منصلاً بگویم یعنی طولانی و باعث طول مقال می شود همین قدر مختصراً عرض می کنم جواب شاه و مجلس آوردیم در همین اطاق کمیسیون بود یکی از کلا برخاست و گفت مقصود ما هم هزل مسیونوز بود قتی زاده متشیره شده و بر خاش کرد که مقصود ما اصطای مشروطیت بود والا هزله سیو نوز چندان اهمیتی نداشت حضار هم گفتند فرض اصلی ما دست خط مشروطیت است فردا آمدیم به همین مجلس ولی دونفر کلا اصاف هم در اینجا حضور داشتند از آن میانه میرزا محمود کتکتاب فروش برخاست و گفت حضرات مشروطیت را مخبر السلطنه برای ما می گیرد باری وقتی خواستیم بر خیزیم و برویم مشرف الدوله و میرزا فضلعلی آقا و کلاسی آذربایجان دامن من را گرفتند و گفتند با این ترتیب ما نمی توانیم با آذربایجان معاودت کنیم و هیالات ما در معرض تلف هستند عصر آنروز بنده بقرسانیدن یک لایحه از طرف مجلس و قانونی کردن چهار ماده قانون بتوسط مجلس بدربخانه رفتم و با زبان و تنهید دست خط مشروطیت را گرفتم و در هر موقع با جان خود بازی کردم و در راه خدمت با آزادی و مشروطیت لطفه فرو گزار نکردم و این دستخط مشروطیتی که دارید من برای شما گرفتم یعنی مسوده آنرا خود نوشتم و حشمت الدوله از روی مسوده من یا کنوسی کرد و در حضور مرحومین عضد الملک و مشیر الدوله از شاه گرفتم و اینجا آوردیم اینها چیزهایی نیست که جای انکار باشد وقتی که توپ در میدان آن توپخانه گذاشته بودند و مجلس مصور بود شها همه و کلا در مجلس می خوابیدند و دونفر از حجج - الاسلام هم در مجلس بودند من در آن میانه با هر وسیله بود در بخانه در مجلس رفت و آمد می کردم من آدمی هستم که برای گرفتن آزادی شما برای گرفتن مشروطیت شما روزی سی مرتبه بمارت گلستان حضور شاه می رفتم و زحمات کشیدم و ابتدا امید زنده ماندن هم نداشتم ( حالا اگر برسبیل اتفاق کشته نشدم و زنده ماندم از اقبال من از میدان توپخانه جلو اطاق الماس در پای حوض رسماً در حضور صاحب اختیار با معده شاه طوری طرف شدم که همین صاحب اختیار حاضر توی سینه من زدو گفت چه می گوئی مرد که چرا ملاحظه خودت را نمی کنی

اگر الان حکم کند تو را طلب بیندازند چه خواهد شد؟ این قضیه مقارن بود با روزیکه سه نفر قزاق در بازار تفنگ انداخته و کسبه هم از ترس دو کاکین را بسته بودند من با هزاران زحمت کاری کردم که کسبه دو کاکین خود را باز گهردند و مشغول کار

خودشان شدند فرض این است من همه وقت عملاً آزادیخواه و طرفدار مشروطیت بوده ام و در این راه هم عملاً و عملاً زحمات زیاد کشیده ام و در هر موقع پیشقدم حریت و آزادیخواهی این مملکت بوده ام ولی حرف زدن برای خوش آمد چهار نفر عوام شغل من نیست حالا بروم بر سر مسئله خیابانی .

مرحوم خیابانی که در یک دوره وکیل بود برای این مملکت چه کرده است؟ چه خدمات و فداکاری برای آزادی این آب و خاک نموده است؟

من همه این کار ها که شرح دادم داشته ام از آن میانه میرزا محمود کتکتاب را مخبر السلطنه برای ما می گیرد باری وقتی خواستیم بر خیزیم و برویم مشرف الدوله و میرزا فضلعلی آقا و کلاسی آذربایجان دامن من را گرفتند و گفتند با این ترتیب ما نمی توانیم با آذربایجان معاودت کنیم و هیالات ما در معرض تلف هستند عصر آنروز بنده بقرسانیدن یک لایحه از طرف مجلس و قانونی کردن چهار ماده قانون بتوسط مجلس بدربخانه رفتم و با زبان و تنهید دست خط مشروطیت را گرفتم و در هر موقع با جان خود بازی کردم و در راه خدمت با آزادی و مشروطیت لطفه فرو گزار نکردم و این دستخط مشروطیتی که دارید من برای شما گرفتم یعنی مسوده آنرا خود نوشتم و حشمت الدوله از روی مسوده من یا کنوسی کرد و در حضور مرحومین عضد الملک و مشیر الدوله از شاه گرفتم و اینجا آوردیم اینها چیزهایی نیست که جای انکار باشد وقتی که توپ در میدان آن توپخانه گذاشته بودند و مجلس مصور بود شها همه و کلا در مجلس می خوابیدند و دونفر از حجج - الاسلام هم در مجلس بودند من در آن میانه با هر وسیله بود در بخانه در مجلس رفت و آمد می کردم من آدمی هستم که برای گرفتن آزادی شما برای گرفتن مشروطیت شما روزی سی مرتبه بمارت گلستان حضور شاه می رفتم و زحمات کشیدم و ابتدا امید زنده ماندن هم نداشتم ( حالا اگر برسبیل اتفاق کشته نشدم و زنده ماندم از اقبال من از میدان توپخانه جلو اطاق الماس در پای حوض رسماً در حضور صاحب اختیار با معده شاه طوری طرف شدم که همین صاحب اختیار حاضر توی سینه من زدو گفت چه می گوئی مرد که چرا ملاحظه خودت را نمی کنی

اگر الان حکم کند تو را طلب بیندازند چه خواهد شد؟ این قضیه مقارن بود با روزیکه سه نفر قزاق در بازار تفنگ انداخته و کسبه هم از ترس دو کاکین را بسته بودند من با هزاران زحمت کاری کردم که کسبه دو کاکین خود را باز گهردند و مشغول کار

سردار اسد مرحوم مکرر در مکرر میگفت فلان کس مرا مهربان کرده و در این آتش انداخت .

تمام آتشها را من دامن زده ام در ریاس من بسردار اسد گفتم که شما باصفهان بروید او بن گفت تو خودت چه خواهی کرد گفتم من هم بظهوران خواهم رفت او قبول کرد و بعد با اتومبیل بکافه دولابه آمدیم بعد من به برادر خود فهم الدوله گفتم تو برو گر اندهتل تلگرافی بمرحوم صنیع الدوله مهاجر کن و اجازه حرکت مرا بظهوران بخواه صنیع الدوله بن جواب داد ( جواب کتبی) وقتی کافان ایشان رسید خط مرحوم صنیع الدوله را آلان دارم بن نوشته بودند در عفو عمومی باغ شاه نو مستی هستی همه میدانند که من در عفو عمومی باغ شاه مستثنی بوده ام . حالا در مقابل من آزادیخواه بیداشده من که این همه خدمات را کرده و این جانفشانی ها را در راه مشروطیت نموده ام خائن هستم ولی کسی که چند روزی فقط صندلی و کالت را اشغال کرده او آزادیخواه و مشروطه طلب شده است .

باری در همین سفر وقتی که ما کابینه ساختم منظر بودیم که از طرف آزادی خواهان آذربایجان و حزب تجدید تلگراف تبریک و تهنیت آمیزی باین کابینه ملی بشود مدتی طول کشیده خبری از آنها نشد همینقدر شنیدم که اسم آذربایجان را تهنیت داد و مبدل به آزادی ستان کرده اند خوب حالا از آقایان انصاف می خواهم کدام موقعیت و کدام اصول سیاست و قانون به یک نفر هر قدر آزادی خواه و هر قدر وطن پرست و مشروطه طلب باشد اجازه میدهم که اسم یک ایالت بزرگ را تغییر بدهد یا فرضاً دارالحکومه دولتی را اشغال و محل سکنتی خودش را فراهم بدهد بنده گمان نمی کنم هیچ اصول مشروطه طلبی چنین اجازه را بکسی بدهد با همه احوال ماسبت کردیم و به آذربایجان تلگراف کردیم که کابینه حاضره یک کابینه ملی است و شما هم که آزادی خواه و وطن پرست هستید میفرمائید مقصود شما چیست بما جواب دادند که هیچ باین کارها کار ندارم فقط برای ما یول بفرستید گفتم خوب فرضاً یول هم فرستادیم اما آخر ما حاکم هم باید بفرستیم مجدداً بما جواب دادند ما از شما یول می خواهیم شما چرا صحبت از حاکم می کنید تنها یول را شما بفرستید دیگر به حاکم کار نداشته باشید ما خودمان حاکم درست میکنیم خلاصه پس از مذاکرات بسیار بالاخره تلگراف کردند یابرای ما یول کافی به فرستید یا کله آخرین را بشما خواهم گفت این تلگرافات در وزارت داخله و هیئت وزرا موجود است برای صدق عرایض بنده ممکن است مجلس این تلگراف را بشنود و قضاوت کند پس از وصول این تلگراف ما فکر کردیم و دیدیم از ایالت

مهمی مثل آذربایجان که نمی توانیم صرف نظر کنیم و بالاخره ناچاریم یک حاکمی برای آنجا روانه کنیم و برای قبول این حکومت هم هیچکس نبود که مطمئن باشد از اینکه در آذربایجان پذیرفته میشود غیر من بدبخت یا خسوس بدبخت کسه بالاخره مسئله دامن گیر خود من شده و این خدمت را داوطلبانه قبول کرده وزیر این بار هم رفتم و سرریماً بطرف آذربایجان شتافتم بزنجان که وارد شدم ساعد السلطنه از تبریز بمن تلگراف کرد که مذاکراتی با مرحوم خیابانی و حزب تجدید بکنم جواب دارم من که در مملکت با آقایان مخالفت معاندتی ندارم در امور مملکتی هم موکول باین است که خود شخصاً با آنها رسیده و ببینم مقصود آقایان چیست و چه می خواهند تا اینکه رسیدیم بماسنج سه فرسخی شهر ساعد السلطنه به استقبال من آمد بعد معلوم شد اهالی شهر هم میخواستند با استقبال من آمده و مرا تا شهر استقبال کنند خطرات مانع شده و از این اقدام اهالی جلو گیری کرده اند حتی ساعد السلطنه بدبخت را هم مانع شده بودند که نهار خود برنج و روغن بیارند و لوازم نهار را از خارج تهیه کرده بود من فدوی اندیشه کردم هیچ نفهمیدم مقصود از این اقدام آقایان چه بود و برای چه این حرکت کرده اند این مسئله که صورت آزادی خواهی ندارد.

بعد توسط ساعد السلطنه بخیاالی پیغام دادم از قراریکه من اطلاع دارم شما در همارت حکومتی و عالی قاپو منزل کرده و انجمن دارید شما ممکن است جای دیگری را برای حوزه و انجمن خودتان انتخاب کنید وقتی که من وارد شهر شدیم حاضرمان بنجمن شما حضور بهم رسانید و قرارومداری باهم بکنیم جواب دادند خیر تصمیم شده است که شما در خارج منزل کنید و در همارت عالی قاپو نیابید من گفتم بچشم اطاعت می کنم و برای خاطر آقایان رفتم در خارج دارالحکومه خانه ساعد السلطنه منزل کردم و معهود بود فردای آنروز آدم بییش من بفرستد و مذاکرات خود را خاتمه دهند در روز معهود که بنا بود کسی را نزد من بفرستند نفرستاده و مرا هم نپذیرفتند روز بعد من رسولی فرستادم و پیغام دادم که آخر ما همان و وارد بر شما هستیم خوب است از ما احوالی بپرسید جوابی ندادند ولی ناظم الدوله و سیدالمحققین را از طرف خودشان فرستادند که بیایند و با من حرف بزنند ناظم الدوله استنکاف کرد زیرا با من سابقه دوستی داشت و شخصاً پیش من آمد باو گفتم آخرین چه اوضاعی است مشاورایه قدری اطراف خود را نگاه کرد و گفت حقیقتاً نمی دانم چه اوضاعی است از رفت و بعد سیدالمحققین آمد و مذاکرات بیان آمد باو گفتم آقا آخر حدود ایران مقدس است این حدی که امروز برای ایران معین

شده و این خطی که حدود ایران را تشکیل می دهد اگر خدایا با کرده دیگران بخواهند مترازل کنند هزار گفتگو بین دول و ملل حادث می شود اما اگر خود ما سبقت کرده و پیشقدم شویم و این خط را مترازل کنیم دیگر آن قدر منزلت برای ما باقی نخواهد ماند و آن احترام و تقدس از بین خواهد رفت و در نتیجه مورد تهاجم و حمله دشمن گردیده و طعمه اجانب خواهیم شد زیرا شما بالاخره نگاهدار آذربایجان نخواهید بود وقتی که در اطراف آراسته می نشینیم صحبت از حمایت مظلوم و طرفداری رنجبر می کنیم؛ در موقعی که من بیایم وارد شدم قریب هفتصد نفر زن و بچه از بزرگ و کوچک لغت و برهنه در میان و گرسنه جلو کالسکه مرا گرفته و داد و فریادشان بیوق میرسد استیصال و بی رحمانی عسرت و بدبختی فشار و نگرانی این بدبختها بدرجه بود که یکی از آنها آتش برافروخته و خود را در آتش انداخت و بعضی ها هم بچه های خود را زیر کالسکه من انداختند چه منظره دلخراش و چه حالت جانکداز و وقت آوری با رنجبر و مظلوم حقیقی این بدبختها هستند که اینطور از جان خود سیر و از این زندگی پراز تنگ بیزارند همه اینها برای چه بود برای اینکه مرحوم خیابانی بواسطه حب ریاستی که داشت امیر عشایر را برای سانسور کردن اداره تلگرافخانه بیایم فرستاده بود

امیر عشایر هم تمام کرده بود را چایید و هستی اهالی میانج را از بین برده بود دیگر اینکه از یونانی که دولت برای شاهسون ها یعنی حاجی خواجه لو نبلگو فرستاده بود که با اشرا مقاومت کنند آنها نتوانستند بودند از عهد برآیند امیر عشایر آن پولها و تفنگها را از دست خواجه لوها گرفته بود و شاهسون ها هم چون این قسم دیدند تمام سراب و قان رود و اطراف تبریز را چاییدند بطوری که از میانج تا شهر که بنده رفتن از تمام محصول یک خرمن برداشته نشده بود زیرا احدی قادر نبود بصحرا بیاید و همه مردم و رعایا تمام کاوو گوسفند احشام و اقلام خود را در حصار معصوم و مضیی داشته و از ترس جان و مال خود بیرون نیامدند وقتی که من بیسکه داش رسیده باشم نفر از سواران خود تقریباً یکساعت با آنها چنگ کردم البته آنها نمی دانستند که من هستم زیرا خیلی خفیف و ساده مسافرت کرده بودم

الا البته بن اینکار رانی کردند خلاصه یک شبی رفتم منزل سیدالمحققین مادام حق معروف هم آنها بود و آنچه لازم موهظه و پند بود گفتم و برای اینکه غائله بطور خوشی و مسالمت ختم شده باشد آنچه را که اندرز و نصیحت به خاطر داشتم بکار بردم و با آقایان مذاکره کردم و بالاخره گفتم آقایان این راه را که شما میروید بخطر و بر علیه منافع و مصالح ملت و سیاست مملکت است؛ شما

اسم يك ايلات مملکت را نباید بر گردانیده و تغییر و تبدیل بدهید هما حق ندارید دارال حکومت ایالتی را اغفال کنید تا این ترتیب شما به هیچ وجه نمی توانید جلو بروید آخر درست ملاحظه کنید الان شما در شهر معصومید و نمی توانید با این وضعیت از شهر خارج شوید اگر چه دفین کرده اید کسی از من ملاقات نکند ولی ممدک از هر طبقه و صنفی که تصور بفرمائید پیش من آمده اند تجار و اعیان و آقایان علماء از من ملاقات کرده اند حتی احزاب مجاهد و سوسیال دمکرات ها نزد من آمدند و رفت کرده اند ترتیبی که شما امروزه پیش گرفته اید هائسته شما و مملکت شما نیست خوب است طوری با این مسئله خاتمه دهید... چه عرض کنم شام هم آنجا صرف کردم تمام شب را مشغول مذاکره بوده از موهظه و پند که می دانستم خود داری نکردم بالاخره آقایان گفتند ختم مستهل و جواب قطعی موکول باین است که ما با رفقا حرف بزیم حضرات رفتند با رفقا حرف بزین مدت استمهال یازده روز طول کشید در این یازده روز من با دقت کامل از تمام اهالی شهر استعلام و استفسار کردم که بیستم آیا واقف اهالی شهر هم با آنها همراهند یا نه پس از مطالعات فهمیدم که اهالی به هیچ وجه با آنها همراه و با خیال آنها مساعد نیستند هیچ دلیل هم بالاتر از این نمی شود که وقتی من تصمیم کردم بهالی قاپو وارد شوم و آنجا را تصرف کنم بعد از چهل دقیقه با آنها وارد شدم با آنها موافق و با من مخالف بود چطور من می توانستم در ظرف چهل دقیقه اهالی قاپو را متصرف شوم در صورتیکه این همان تبریزی بود که یکسال تمام ده هزار قشون مسلح دور او گرفته بود

باری به عرایض من گوش ندادند تا در روز بیست و ششم شهر ذی حجه سیدالمحققین اوین گفت چرا نشسته اید خوب است بروید بنده نمی دانم کدام پرنسپ یا قانون اساسی اجازه می دهد که چند نفر بمن که حاکم رسمی هستم بگویند تو برو پول را بده باری بنده هم جواب دادم اطاعت می شود اما باید حضوری با طهران مذاکره کنم و البته هر چه دستور دادند عمل خواهم کرد بنده هم هیچ میل نداشتم اقدامی بنایم ولی ترتیب قضیه اینطور پیش آمد که من بفرافشان رفتم رئیس قزاق بن اظهار داشت اگر شما یازده روز است در تبریز هستید من دو سال است مقیم این شهر هستم و می دانم تمام اهالی از این ترتیب متنفذ و بیزارند سابقاً هم بسیدالمحققین گفته بودم که اگر اهالی با شما موافق هستند پس چرا تلگرافات را سانسور نموده اید و مردم مجبورند عرایض خود را از زنجان بطهران تلگراف نمایند باری رئیس قزاقخانه بن اظهار داشت که اگر اجازه بدهید در ظرف

دو ساعت اهالی قاپورا می گویم من با او گفتم مایل نیستم خونریزی و فساد می شود در جواب گفت که من مطمئن هستم و مطالعاتی در این باب کرده ام و میدانم نظمی و زاندارم ما هم باطناً با آنها همراه نیستم اتفاقاً در همان شب زاندارم مها برای حل آذوقه و بار بار با من صحبت بود نه من هم بعد از اتمام حاجت با رئیس قزاق از اینک خونریزی نخواهد شد و بعد از اینک دیدم از دو حال خارج نیست یا باید اهالی قاپورا تسخیر کنم و یا آنکه اظهارات آنها را تصدیق و مراجعت نمایم و بالاخره بعد از آنکه تسخیر اهالی قاپو را ترجیح دادم اجازه دادم اقدام نمایند لذا قزاقها هم شبانه رفتند و آنجا را که باید بگیرند گرفته و قریب چهل دقیقه هم با اراذل و الواط شهری و ترور مصادمه مختصری کردند و در تمام واقعه هم یک نفر قزاق کشته شد و دو نفر هم از اراذل شهری ولی از زاندارم ها و آژانها بهیچکس صدمه نرسید بعد از آنکه بنده بهالی قاپور رفتم در ظرف نیم ساعت از تمام طبقات اهالی آمدند و اظهار تشکر نمودند تصدیق می کنند که ورود من بشهر تبریز و گرفتن اهالی قاپو خود یک دلیل قاطعی است به حاجت عرایض بنده البته اگر اهالی آن اساس را بخواهند مرا راه نمی دادند بعد از آنکه بهالی قاپور رفتم فی الفور به خیال مرحوم خیابانی اقدام به هیچ کس پیش من نبود که با او آشنائی داشته باشد مگر بهاء السلطان شیرازی که از باسج همراه من به تبریز آمده بود به بهاء السلطان گفتم برو نزد خیابانی خط اعتماد هم باو دادم که باو بدهد و بگوید بازم با تو حاضر می کار نمایم اگر میل نداری بدرب خانه بیائی آقایان مستوزیر اینان شدن از برای تو خطرناک است بهاء السلطان نتوانست او را پیدا کند زیرا هم خود و هم زن و بچه اش از خانه رفته بودند فردای آن روز نزدیک ظهر دیدم میاهوئی است آدم فرستادم که تحصیل خبر نماید معلوم شد جنازه خیابانی را آوردند مردم بدر سوخته اراذل که در روز پای ایوان از برای اودست می زدند امروز در پای جنازه اودست می زدند و اظهار شادی می کنند و اصراری دارند که جنازه او را بیازار ببرند من از اصحاب خود فرستادم که مردم را متفرق کنند و امر دادم جنازه را معترماً در سید حنزه که مکان معترمی است دفن کنند سید تقی نام حریری هم که کیش جنازه حسارت کرده بود دادم او را حبس و تنبیه کردند بعد هم اهالی مختلفه تبریز آمدند نزد من و مجازات سایرین را خواسته و مرا آسوده نمی گذاردند که فلان را باید بگیریم و فلان را باید بزنی منم که اهل این کارها نبودم بسه نفر آنها که خیلی طرف بعضی مردم بودند گفتم خوبست شماها چند روزی در شهر نباشید و به میل خودتان هر کجا می خواهید بروید آنها هر چندی رفتند و باز

آزادی دادم و بر گشتند بول هم با نهادام و حوزه ایشان راهم تعمیر نمودند راجع بگشته شدن خیابانی آنچه راپورت از طرف قزاقخانه بمن داده شد بود این بود که خیابانی بالباس زنانه از دیوار خانه می خواسته است فرار نماید قزاق جلو گیری نمودند او هم داخل خانه شده و سه تیر برای قزاق انداخته است و یک تیر هم بدست قزاق خورده بود بعد از آنکه صدای تیر قطع می شود قزاقها وارد خانه می شوند او را مقتول می بینند حالا خودش خودش را گفته با قزاقها او را مقتول نموده بنده نمی دانم العلم عبدالله فقط چیزی که هست کاغذی در جیب او دیده اند اهالی حال بنده از آقایان چندان متوقع نیست اعتبار نامه مرا تصدیق کنند و التماس هم نمی کنم لکن همینقدر می گویم اگر شما مملکت می خواهید اگر ملت می خواهید و اگر دولت می خواهید و بالاخره اگر می خواهید زندگانی کنید باید هر کس هملا مشروطه طلب بود او را مشروطه بدانید این بود اندازه از یک سلسله خدماتی که کرده ام حالا خیابانی خودش خودش را کشته و با مرگ میامیرا کشته شد من کاری ندارم منم باید در شهر تبریز کشته شده باشم حالا اگر کشته نشدم تقدیر این طور بود باری من هملا مشروطه طلبم نه بعرف نه بنطق و تا بحال هم هیچ کاری نکردم که باین مملکت ضرر و خسارتی وارد آورده باشم اگر خاطر اتان باشد فارسانم همینطور بود مرحوم علاء السلطنه بن تکلیف نمود که فارس از دست رفته خوب است بفارس بروید و فله رافع کنید حالا اگر و کلای تبریز در اینجا نیستند و کلای فارس بازم با تو حاضر می کار نمایم اگر میل نداری بدرب خانه بیائی آقایان مستوزیر اینان شدن از برای تو خطرناک است بهاء السلطان نتوانست او را پیدا کند زیرا هم خود و هم زن و بچه اش از خانه رفته بودند فردای آن روز نزدیک ظهر دیدم میاهوئی است آدم فرستادم که تحصیل خبر نماید معلوم شد جنازه خیابانی را آوردند مردم بدر سوخته اراذل که در روز پای ایوان از برای اودست می زدند امروز در پای جنازه اودست می زدند و اظهار شادی می کنند و اصراری دارند که جنازه او را بیازار ببرند من از اصحاب خود فرستادم که مردم را متفرق کنند و امر دادم جنازه را معترماً در سید حنزه که مکان معترمی است دفن کنند سید تقی نام حریری هم که کیش جنازه حسارت کرده بود دادم او را حبس و تنبیه کردند بعد هم اهالی مختلفه تبریز آمدند نزد من و مجازات سایرین را خواسته و مرا آسوده نمی گذاردند که فلان را باید بگیریم و فلان را باید بزنی منم که اهل این کارها نبودم بسه نفر آنها که خیلی طرف بعضی مردم بودند گفتم خوبست شماها چند روزی در شهر نباشید و به میل خودتان هر کجا می خواهید بروید آنها هر چندی رفتند و باز

جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ساعت مجدداً تشکیل گردید  
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)  
حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)  
آقا سید یعقوب - در جواب آقای رئیس التجار که در موقع مذاکره در اعتبار نامه آقای مغیر السلطنه صحبت از آقای مشیرالدوله کردند عرض میکنم ما صحبت از آقای مشیرالدوله نکردیم و ابداً ایشان معصبت نبودند اما راجع به آقای مغیر السلطنه ایشان یک شرحی از تاریخ خودشان فرمودند که من در مشروطه چه کردم چه خدمت کردم و با آخوندها چه مناقشاتی کردم گمان می کنم تاریخ ایران از بین رفته باشد و نوشته باشند که پیشقدم اخذ مشروطیت سلسله علماء بودند حالا اگر در بین آنها مخالفیتی هم پیدا شد کاری ندارم ولی پیشقدم آنها بودند آن وقتیکه آقایان علماء مرحوم آیت الله طهرانی و خراسانی و مازندرانی اقدامات می کردند و ما هادرقم میرفتیم و در غلر و زنجیر بودیم آقایان در باغها مشغول کبف بودند علماء کی مخالف بودند علماء همیشه فریاد میزدند که باید مطابق دیانت اسلامی و قرآن عمل شود و قرآن هم عبارت از همین قوانین مشروطیت و آزادی است چون تاریخ بین من و ایشان حکم است بیش از این راجع باین مطلب صحبت نمی کنم اما ایشان فرمودند که از آزادی خواه هستم و مشروطه طلب میباشم از آقای مغیر السلطنه که می گویند من مشروطه طلبم و خواه هستم و مشروطه طلب میباشم خیلی بید است که یک نفری را که کشته اند در روی چوب بگذارند و بیاورند در دارالحکومه و بی احترامی نسبت باو بشود باید دید خیابانی چه کرده و آنها سکه خیابانی را کشته اند چه کرده اند کدام دشمن مملکت را کشته اند و خیابانی در زمان وثوق الدوله هنوز در روزنامه تجدید در نزد بنده و سایر آقایان موجود است و می گوید من اجرای قانون اساسی را می خواهم آیا کسی که چنین چیزی را می گوید می توان باو تهمت و افترا بست که تجزیه آذربایجان را میخواست آیا خیابانی می توانست آذربایجان را تجزیه کند هر کس صحبت می کند می گوید اگر من نبودم ایران رفته بود من نمیدانم ایران باید مرهون چند نفر باشد و بقیه بنده ایران مرهون هیچکس نیست ایران مرهون قوه خودش است باری فرمودند خیابانی در موقع حمله کشته نشده و بعد کشته شده بنده هم میدانم اگر در موقع حمله شده بود چندان بختی نبود برای اینکه در موقع حمله اگر کسی کشته شد مسئولیتی نیست اما بعد از سه چهار روز مسئول وقایع این

ضبط کرده و این همه زحمات را برای این کشید اند که دیگر کسی نگوید من گفتم من کردم اما راجع بمسئله مرحوم خیابانی بنده عقیده نداشتم در مسئله شهادت مرحوم خیابانی در مجلس صحبتی بشود زیرا امیرتوسم خدای نکرده یک باچند نفر از نمایندگان باین مذاکرات در باره اعتبار نامه آقای مغیر السلطنه رای بدهند آنوقت در تاریخ بنویسند که نمایندگان دوره چهارم با اینکه در مجلس عنوان شد خیابانی را که یک نفر از آزادی خواهان و علماء بود و در راه آزادی کشته شده باز هم کلاه که از روی مسلک دموکراسی انتخاب شده اند درباره آن کسی که متهم بقتل یا امر قتل او بود رای داده اند حالا که وارد آن مطلب شده ایم عرض می کنم بنا بر تصدیق که خود ایشان کردند خیابانی در حمله ای که قزاقها بهالی قاپو نمودند کشته شده بلکه بعد از اینکه نفو عمومی داده و اعلان که شد سه چهار روز بعد کشته شده باید دانست که بعد از سه چهار روز مسئول جان و مال خیابانی با هر کس دیگر شما بوده اید بعد از آنکه پس از چهار روز خیابانی را کشته اند بنا بر آنچه آقای رکن الملک می فرمودند جنازه خیابانی را در روی چوب گذارده بودند و دست او آویزان بوده است و دست او را شکسته بودند بنده عرض می کنم چنگ با مرده را هیچکس تجویز نمی کند و هیچکس با مرده چنین کاری نکرده مگر در صحرای کربلا در مملکت اسلامی شبهه مملکتی که قانون دارد زنده و مرده باید محترم باشند خصوصاً از آقای مغیر السلطنه که می گویند من آزادی خواه هستم و مشروطه طلب میباشم از آقای مغیر السلطنه که می گویند من مشروطه طلبم و خواه هستم و مشروطه طلب میباشم خیلی بید است که یک نفری را که کشته اند در روی چوب بگذارند و بیاورند در دارالحکومه و بی احترامی نسبت باو بشود باید دید خیابانی چه کرده و آنها سکه خیابانی را کشته اند چه کرده اند کدام دشمن مملکت را کشته اند و خیابانی در زمان وثوق الدوله هنوز در روزنامه تجدید در نزد بنده و سایر آقایان موجود است و می گوید من اجرای قانون اساسی را می خواهم آیا کسی که چنین چیزی را می گوید می توان باو تهمت و افترا بست که تجزیه آذربایجان را میخواست آیا خیابانی می توانست آذربایجان را تجزیه کند هر کس صحبت می کند می گوید اگر من نبودم ایران رفته بود من نمیدانم ایران باید مرهون چند نفر باشد و بقیه بنده ایران مرهون هیچکس نیست ایران مرهون قوه خودش است باری فرمودند خیابانی در موقع حمله کشته نشده و بعد کشته شده بنده هم میدانم اگر در موقع حمله شده بود چندان بختی نبود برای اینکه در موقع حمله اگر کسی کشته شد مسئولیتی نیست اما بعد از سه چهار روز مسئول وقایع این

جناب عالی بودید این راجع بمسئله خیابانی اما چیزهای دیگری راجع بایشان بنده شنیده ام که بر بنده مشتبه است از جمله آوردن لاهوتی را از اسلامبول در حالتی که دولت حکم اعدام او را داده بود . بایشان نسبت داده اند که در دخول لاهوتی در اداره ژاندارمری توسط لبرک بود ولی باید دانست لاهوتی که با اسلامبول از ترس اعدام فرار کرده بود کسی او را وارد خاک آذربایجان نمود سبب بدبختی اخیر آذربایجان چیست ؟ مسئول این همه انقلابات اسمعیل آقا وغیره و پولها تبسکه در این راه خرج شده کیست ؟ آقایان نمایندگان یک اقدام اساسی بکنند تا حکومتهای شایداند که مسئولیتی در بین هست اگر حکومت یا ایالت بردند

و هر گاه خوب و بدی بکنند معاکمه در بین هست و بازرسی هست و سؤال میکنم آقا تو که از طرف دولت مأمور بودی و مواجب و شرافت و امتیازات بتو دادند و شما را فرمان فرمای کشوری و لشکری نمودند آیا با این ترتیبات در ایندست از برای آذربایجان چه اقدامی نمودی و کدام یک از درهای او را تسکین دادی واقعه اسمعیل آقا و قتل هام ساوجبلاغ و واقعه ارومیه شرفخانه مسئول کیست لااقل تشریف برید در هیئت وزراء و اسنادی را که بر بر اهت زمه شما دلالت کند بیاورید تا ما هم اعتبار نامه شمارا باسلام و صلوات بپذیریم

رئیس - نوبت حرف زدن با آقای حاج شیخ اسدالله است لکن ایشان یک چیزی نوشته اند و نوبه خود را تسلیم آقای مدرس نموده اند آقای مدرس (اجازه)  
مدرس - چون در اینجا همه قسم صحبت شد باید همه قسم جواب داده شود لذا حالا عرض می کنم که مکرر از آقایان خواهش کرده ام که هیچ از منی ندارد متصل لفظاً و کثرت را تکرار نکنند و هر مطلبی را بگویند کثرت کرد اولاً انشاء الله نظر همه ما ها در اصلاحات مملکتی نظر اتفاق و موافق است و خداوند انشاء الله در توفیق بما عنایت خواهد کرد

ثانیاً اگر در یک موردی اکثریت مجلس یک مسئله را تصدیق می نماید البته آن رای مقدس است و لویاتیکه آن مسئله در باب حقوق معنوی میرزا باشد زیرا شما که آن روز بودید میخواستید او را بکشید حالا که زنده است تکلیف ما این است که باو نان بدهیم بلی اکثریت رای داده بنده می گویم اگر تا پنجاه سال دیگر هم که باشد تا هر وقت زنده است ملت ایران باید باو نان بدهد تا نمیرد اما راجع بمسئله که مطرح است من خیال می کردم بعد از آنکه آقای مغیر السلطنه بطهران تشریف آوردند این سؤال وجوابها و این تحقیقات با در شمه و یا در کسبون خواهد شد و بعد از

آن این مسئله تصفیه شده بمجلس خواهد آمد .  
حالا که آن طور نشد ولی عقیده بنده این مذاکرات خارج از موضوع بحث است شکی نیست خدارحمت کند مرحوم خیابانی آدم بسیار خوبی بود آنجا هم چندی در خدمتشان بودیم آدم آزادی خواهی بود بنده عقیده شخصی خود را عرض می کنم کتلت محمدتقی خان هم که با ما همسفر بود آدم خوبی بود .  
بنده او را آدم وطن خواهی می دانستم بازم عقیده شخصی خودم است میرزا کوچک خان هم آدم وطن دوستی بود لکن باید در کار هم یک حدودی باشد بنده خودم دو نفر را خدمت آقای خیابانی فرستادم یکی قره آلی الله رفت دیگری را پول دادم در وقت مسئله قرار داد خدمت آقای خیابانی رحمت الله علیه فرستادم و بیام دادم که امروز چنین قراردادی بسته شده و بقیه بنده مضر بعال مملکت است خوب است شما در آن ناحیه که هستند کمکی بفرمائید شاید انشاء الله این مسئله رفع شود وقتی که مجلس شورای ملی مفتوح شد اگر مطالب دیگری دارید ممکن است بمجلس اظهار دارید و البته مجلس هم مساعدت نمود و میل شما انجام خواهد گرفت خدارحمتشان کند جواب دادند که من باهراقبه طرف مذاکره نمی شوم .  
واطمینانی بحرف آنها ندارم غرضم این است که بنده نسبت بآن مرحوم اخلاص داشتم خود شاهزاده و بنده وقتی با هم مهاجرت کردیم اگر دولت وقت عقیده اش این بود که این مهاجرت بر ضرر مملکت است و حکم می کرد که در راه بنده را بکشند .  
من دولت را مقصر نمی دانستم و خودم را هم مقصر نمی دانستم زیرا من بر طبق عقیده ام رفتار کردم اوم بر طبق عقیده اش باید نظر بعقیده و توجه نمود آقای خیابانی خیلی خوب آدمی بود و ما هم تا امروز نمیدانیم وضعیت آذربایجان چه بود و چرا ایشان مقتول شده اند  
حالا که نمی دانیم آیا اقتضا دارد این عمل را برای یک طرفی ثابت کنیم و آن طرف را وادار نماییم از خود تبرئه نمائیم؟ خیر این مسئله هیچ سابقه ندارد که یک کسی ابتداء بساکن برود و تبرئه خودش را ثابت کند .  
هر کس مدعی است باید ثابت نماید ما که اینجا نشستیم می گوییم مرحوم خیابانی شهید شد اما کشته کی بود معلوم نیست نسبت با آقای مغیر السلطنه می دهند بنده اگر چه با ایشان دوستی درادور داشتم .  
لکن در این مدت هفت سال بطهران آمده ام بیشتر شنیده ام ایشان از خدمتگذاران

وطن هستند بقدری وطن خواه بوده که آخر دهمان هم شدند و دیدید که امضای خود را در همان گذارند در صورت گفتگوی وطن خواهی نبودند در صورتیکه همه وطن خواه هستند همه بمملکت خدمت کرده اند و کلی به مسئله انتخابات و وکیل شدن ندارد لذا بنده عقیده داشتم که اصلا این مذاکرات در مجلس نشود

زیرا ما در مسئله صحت انتخابات صحت می کنیم در مقابل تقدیس صحت و غیر صحت نیست همه انشاء الله از هر جهت خوبند مرحوم خیابانی را هم خدا رحمت کند آدم وطن خواهی بود لکن مربوط باین مسئله نیست اگر چه آقای مخبر السلطنه هم شاید بقدریکه بنده اخلاص زیاد نسبت بایشان نداشته ام ایشان هم نسبت بنسب انتفاع ندارند.

چطور؟  
**مستشار السلطنه** بنده نوبه خود را به آقای ملک الشعراء واگذار می کنم رئیس - آقای حائری زاده هم که اجازه خود را مسترد داشته اند

**حائری زاده** - بلی مطالب بنده گفته شد  
**رئیس** - آقای تدین (اجازه)  
**تدین** - عقیده بنده این بود که موافق رای سابق مجلس خود آقای مخبر السلطنه باید قبل از اینکه این مسئله مطرح شود اظهار عقیده بکنند و بعد مجلس داخل در مطالب شود این مسئله هم واقع شد  
**رئیس** - آقای ملک الشعراء (اجازه)

**ملک الشعراء** - چندی قبل در همین مجلس صحبت از مرحوم خیابانی شد و اگر خاطر آقایان باشد آنروز هم بنده راجع باین مسئله اظهار عقیده کردم و تیریه ساحت مرحوم خیابانی را متذکر شدم و در این اینکه از همان و اعتراض شدم (چنانکه از طرف خود آقای مشیرالدوله هم اذعان شد) که آقای مشیرالدوله و کابینه ایشان ابدأ در قتل مرحوم خیابانی دخالت نداشته و همانطور که آقای رئیس التجار اظهار نمودند کابینه آقای مشیرالدوله نظر بوظیفه که داشت مایل به

بقلم قیام آذربایجان بود ولی در همین حال نه کابینه نه سایر مردم و نه آزادخواهان و شاید مخالفین خود مرحوم خیابانی هم مایل بقتل خیابانی نبوده اند این است روح مسئله والا در اینکه اگر در دوره بک کابینه در یک نقطه مملکت یک قیامی برپا شد آیا آنکابینه معوق است بآن قیام خانه بدهد یا نه؟ این یک موضوعی است که زیاد می شود در اطراف آن سخن فرسائی کرد و بالاخره نمی توان بیک کابینه گفت تو مایل بقتل فائده و قیامی نباشی ولی در همین حال تصدیق می فرمائید که نمی توان انکار کرد که اگر در دوره فترت و در زمانی که تقریباً یکمده از مردم هر قدر هم وطن خواه باشند بدوره مجلس خانه داده و اصول مشروطیت را مطابق قانون اساسی تعطیل بپرداز نیست برای آنکه با اصول کیف مایهائی مملکت را اداره نمایند تعطیل کرده باشد و در یک چنین موقعی یک قیامی شد و آن قیام بنام آزادی بود البته همانطور که دولتی که باهت آق قیام شده می تواند مدعی ازوم تسکین آن کرد و همانطور هم وقتی پارلمان دائر شد و ملت حقوق خود را پس گرفت پارلمان می تواند بدولت اعتراض نماید که چرا یک قیام آزادیخواهانه را باسم طغیان خانه داده اند و بیشتر می تواند آن اعتراض را بکند در صورتی که بکنند آزادیخواه هم بنام طغیان و دوره طغیان

مقتول شده باشد آقای مشیرالدوله در همین مجلس از خود تیریه نمودند که دولت وقت راضی بکشتن خیابانی نبود و این مسئله را از آقای مشیرالدوله قبول می کنم زیرا روح ایشان یک روح منزه و فکر ایشان فکریک و مقدسی است و هیچ وقت در دوره زندگانشان ندیده ام که ایشان از خود آزادیخواهی تما این اندازه که بقتل یک آزادیخواه راضی باشند تجاوز کرده باشند این است که رشته این اعتراضات بآقای مخبر السلطنه وارد است ایشان یک شرحی راجع بآزادیخواهی خودشان بیان فرمودند اگر چه بعضی از آقایان نسبت بایشان اظهار عدم آشنائی فرمودند لکن بنده کاملا با ایشان آشنائی و ارادت داشته ام و در انتخابات طهران یکی از ملت و زحمتمکشان جدی انتخاب ایشان بنده بوده ام و ایشان را یکی از اشخاص فعال و جدی و یکمده یا کدام و بی طمی می شناسم لکن در همین حال بی اندازه متأسفم که چرا فعالیت ایشان در غالب اوقات باید بر علیه آزادی باشد مرحوم خیابانی آنطور که گفته شد یک مرد طغیانی و باقی و خود خواهی نبود در ادوار فترت اگر چنانچه یک فردی از افراد قانون اساسی را درست بگیرد و بر علیه حکومت غاصب دزد دیکتاتور وقت قیام کند شاید در نظر آزادخواهان مقدس است هر آزادی خواهی باقی نیست و هر باقی هم آزادیخواه نیست بر فرض اینکه یک دلائل متزنی می تواند ثابت کند که مرحوم خیابانی مایل داشته است ریاست نماید و بر فرض اینکه با یک زحمت ثابت نمایند که خیابانی می خواسته است در نتیجه قیام خود آذربایجان را خنجر نماید و بالاخره اگر بخواهد ادا بکنید که خیابانی می خواسته است از طهران یول بگیرد و تجهیزات بکند و بطهران اعتنا نکند با تمام این دلائل و مذاکرات باز هم در پنجاه سال یا صد سال دیگر که بتاریخ قیام آذربایجان مراجعه کنند چند سطر بنشر در آنجا نخواهد یافت در آنجا خواهد نوشت که در دوره کابینه دیکتاتور در دوره طغیان فترت بکنند شخصی بنام محمد خیابانی در آذربایجان قیام نمود و سابقه این شخص تا حیات داشت بمملکت و وطن خود خیانت نکرد این شخص وطن خواه در چنین موقعی قیام کرد و قانون اساسی را در دست گرفت حزب و دمکرات آذربایجان که یک شاخه از دمکرات ایران بود با او موافق کرد و او امر غاصبان را کزرا پذیرفت و در روزنامه ارکان خود که نام او تجدید بود مقالات و خطابه های منتشر نمود و این مقالات و خطابه ها کاملا آرزوی آزادیخواهی بود و بالاخره در زمان دوره فترت و دوره طغیان

دیکتاتوری از طرف حکومت وقت آذربایجان آقای مخبر السلطنه گفته شد بلی در تاریخ آذربایجان غیر از این چند سطر را نخواهد دید دیگر در آنجا نمی نویسند که خیابانی می خواست آذربایجان را مجزی کند زیرا دلیلی در دست مورخ نیست

صرف نظر از اینکه مسئله مسائل باید بود که آیا منظور خیابانی از این اقدام چه بود؟ یک وثیقه هائی بدست مردم بدهد مجلس شورای ملی باید بدوره فترت که قبل از خود بود نظر کند و با یک نظر کنجکاری و ثانی قضایائی که در آن دوره بر علیه آزادی و آزادیخواهی واقع شده با میزان انصاف و استقامت و ارادت داشته ام و در انتخابات طهران یکی از ملت و زحمتمکشان جدی انتخاب ایشان بنده بوده ام و ایشان را یکی از اشخاص فعال و جدی و یکمده یا کدام و بی طمی می شناسم لکن در همین حال بی اندازه متأسفم که چرا فعالیت ایشان در غالب اوقات باید بر علیه آزادی باشد مرحوم خیابانی آنطور که گفته شد یک مرد طغیانی و باقی و خود خواهی نبود در ادوار فترت اگر چنانچه یک فردی از افراد قانون اساسی را درست بگیرد و بر علیه حکومت غاصب دزد دیکتاتور وقت قیام کند شاید در نظر آزادخواهان مقدس است هر آزادی خواهی باقی نیست و هر باقی هم آزادیخواه نیست بر فرض اینکه یک دلائل متزنی می تواند ثابت کند که مرحوم خیابانی مایل داشته است ریاست نماید و بر فرض اینکه با یک زحمت ثابت نمایند که خیابانی می خواسته است در نتیجه قیام خود آذربایجان را خنجر نماید و بالاخره اگر بخواهد ادا بکنید که خیابانی می خواسته است از طهران یول بگیرد و تجهیزات بکند و بطهران اعتنا نکند با تمام این دلائل و مذاکرات باز هم در پنجاه سال یا صد سال دیگر که بتاریخ قیام آذربایجان مراجعه کنند چند سطر بنشر در آنجا نخواهد یافت در آنجا خواهد نوشت که در دوره کابینه دیکتاتور در دوره طغیان فترت بکنند شخصی بنام محمد خیابانی در آذربایجان قیام نمود و سابقه این شخص تا حیات داشت بمملکت و وطن خود خیانت نکرد این شخص وطن خواه در چنین موقعی قیام کرد و قانون اساسی را در دست گرفت حزب و دمکرات آذربایجان که یک شاخه از دمکرات ایران بود با او موافق کرد و او امر غاصبان را کزرا پذیرفت و در روزنامه ارکان خود که نام او تجدید بود مقالات و خطابه های منتشر نمود و این مقالات و خطابه ها کاملا آرزوی آزادیخواهی بود و بالاخره در زمان دوره فترت و دوره طغیان

شدم کردم اما تمام آن اظهاراتی را که آقای ملک الشعراء نمودند اگر نظر آقایان باشد در آن مطالبی که عرض کردم جواب تمام آنها داده شد من خیابانی را نکشتم و امر بکشتن او هم نداده ام اما سید یعقوب گفتند که چهار روز بعد خیابانی کشته شد خیر فردای آنروز که من بمالی قاپور فتم این اتفاق افتاده اگر مردم شهر نسبت به جنازه بی احترامی کرده اند و دست زده اند گناه من نیست آخر از اهالی تبریز سؤال کیند جنازه را می خواستند در بازار تبریز گردانند من نگذاشتم مخصوصاً آدم را فرستادم جنازه را با احترام در محترم ترین قبرستان تبریز یعنی سید حمزه دفن کردند و از خورشید و آفتاب و آفتابگردان دور کردیم برای بچه های او پول فرستادم و خانه شان را تعمیر کردم و مایهات و ملاحظاتی من بقدری بوده است که در همین واقعه اخیر که خواستند غوغائی بکنند و در ضمن بمن صدمه بزنند در مسجد جمعه جمع شدند و نطق کردند و دست سبید نفر بیکار مثل همه ولایات حاضر بودند نه یکی از آنها گفت بروید بچه های مرحوم شیخ را بیاورید که امروز روز انتقام است همه اهل تبریز می دانند که من هیچ مایل باین کار نبودم و هیچ گناهی ندارم خود خیابانی در خانه پنهان شده بود و بطرف قزاق تیر انداخت قزاق هم بطرف او تیر انداخت و یا شاید خودش خود را کشته باری مردم رفتند بچه های خیابانی را بیاورند و مایهات خیابانی بچه ها پنهان کرده بود چون اهل شهر اصرار کرده بودند فریاد زده بود که قاتل شوهر من مخبر السلطنه نیست و اگر اصرار بکنند بپایم در مسجد و هلنای گویم کی مسیب قتل شوهر من بود از این اظهار عیال خیابانی یک چیزی بر من معلوم شد آن این بود که بعد از خیابانی رفقای او می گفتند که این او را یک قدری خود رای شده بود و خیال دیکتاتوری داشت و شاید می خواستند بگویند که یک اختلالی در مغز او واقع شده بوده است

از این حرف خیال شیخ من همچو می فهمم که آن مرحوم بیچاره شاید مایل بوده است که بیاید نزد من و ترتیبی بدهد ولی رفقایش نگذارند و اندو اما اینکه اینچناندا کرده می شود در زمان دیکتاتوری بود و باید مکافات شوم هیچ وقت من وقتی به تبریز رفتم در نزدیکی تبریز یکی از حرفهائی که به حضرات گفتم این بود که من در طهران عقاید و قیامها را تقدیس می کردم ولی حالا که آن امر مسبب این اقدام رفع شده و اصلاحاتی هم کشته است و مطالب موکول برای مجلس شورای ملی شده و آن کابینه هم از بین رفته کابینه ای که حالا حکومت را بقیابانی می دهد آیا منزل کردن در هارت عالی قاپور واجب القتل میکند؟

گرفته ایم و آن را تعقیب خواهیم کرد دیگر باقی مطالب که گفته شد جواب ندارد  
**رئیس** - آقای سلیمان میرزا (اجازه)  
**سلیمان میرزا** - یک قسمت از مطالبی که می خواستم عرض کنم قبل از بنده آقای ملک الشعراء فرمودند با هم بطور فهرست عرض می کنم دولت مشروطیت با قلع و قمع اشراری که مسائلی است که اغلب اوقات با واقع مطابقت نمی کند یعنی بنظر یک جماعتی یک دسته اشرار هستند و بنظر جماعت دیگر یک دسته دیگر اشرار هستند. مثلا بنظر محمد علی شاه که مجلس را خراب کرد و ملک المتکلمین و میرزا جهانگیر خان و سید جمال الدین قاضی و جمعی از آزادیخواهان را بقتل رساند و تمام اشخاص را که در باغ شاه حبس می کردند کشت جزه اشرار محسوب می شوند و شاید آنها را از اسلامیت هم خارج می دانستند آیا آن حکومت مشروع بود؟

بلی اگر از نقطه نظر حکومت وقت ملاحظه فرمائید حق بجانب حکومت بود و هر کس بر علیه او قیام کند باید سرش را برید ولی در نظر بنده ساقی نیست که نگوییم مرحوم متکلمین و غیره شهید شده اند در حالتی که در نظر محمد علی شاه اشیاء بودند و هم بطور از نقطه نظر بنده محمد علی شاه و اتباعش از اشرار می باشند بنا بر این در اینجا اختلاف نظر می موجود است

البته کسی که شخصی را میکشد نمی گوید آدم خوبی بوده البته هر کس باشد چه از نقطه نظر مذهبی و چه از نقطه نظر سیاسی می گوید آدم بدی بود تمام اشخاصی را که ناصر الدین شاه در زمان استبداد کشت آیا اشخاص خوبی میدانست؟

خیر آیا اگر بخواهند آزادی خواهی را شکنجه کنند جز اینکه بگویند شریر بود و خیال تجزیه مملکت و خراب کردن مملکت را داشت و جز اینکه تهمت بیاورند آیا وسیله دیگری برای سرکوبی او دارند؟ البته اگر همانطور که آقای ملک الشعراء فرمودند خیابانی در روز نامه تجدید می نوشت من اجرای قانون اساسی را می خواهم و همانطور که آقای مدرس فرمودند آدم نزد او فرستادند که بر علیه قرارداد قیام کند باینجهت قیام نمود در اینصورت البته نخواهد توانست سر او را بگوید باین جهت مجبورند با او تهمت بزنند و نسبت خیال تجزیه مملکت را با او بدهند زیرا او حالا حاضر نیست که بگوید من خیال تجزیه آذربایجان را نداشتم گویند این حرف یک ورق کاغذی که معلوم نیست با منضای کبست از حبس بیرون ماورد باستناد آن این نسبت را بقیابانی می دهد آیا منزل کردن در هارت عالی قاپور واجب القتل میکند؟

آیا پول خواستن از مرکز انسان را باقی قلمداد می کند؟ اگر اینطور است تمام حکام را باید کشت زیرا باقی های بزرگ تراشیده و باس قلع و قمع آنها از مرکز پول می خواهند پس بقول آقای مخبر السلطنه تمام آنها واجب القتل هستند

**مخبر السلطنه** - من چنین چیزی نگفتم

**سلیمان میرزا** - پس اینکه می گویند پول می خواست و چیز دیگری نمی خواست چه معنی دارد؟

از برای حفظ حیثیات کسی که مرده است و نمی تواند دفاع کند باید گویند هر مطلبی ستمی از قبل در آورده و بگوید مثلا خیابانی با این سند تجزیه مملکت را می خواست شما مدعی هستید و ادعای شما دلیل نیست شما متهم بکشتن خیابانی هستید این حرفهای شاق قابل تصدیق نیست کجا است خیابانی که بگوید من این خیال را نداشتم آقای مدرس فرمودند در واقعه قرارداد آدم نزد خیابانی فرستاده اند در صورتی که تا قبل بنده نشنیده بودم حالا خودشان فرمودند اگر خیابانی باقی بود چرا آدم پیش او میفرستادند بهر حال کشته شدن خیابانی که جای تردید نیست حالا می خواهم در باره این کشته حکایت کنیم و در باره این کشته که علی اقوال مختلف بعضی می گویند قزاق او را کشته و بعضی می گویند خودش انتحار کرده یا رفقای او را کشته اند و خبط دماغ پیدا کرده بود آخر اسناد این نسبت ها کجا است؟ کی باید تحقیق کند؟ اگر بنده امشب در خانه خود رفتم و مرا کشتند کی تحقیق می کند؟

گمان می کنم هیچکس زیرا که مرده ام و می گویند الحمد الله ازیر گویش راحت شدیم بنده می گویم خیابانی بیکسفر تبه ایران هیچ خدمتی هم در راه آزادی نکرد حالا که کشته شده ما می خواهیم تحقیق کنیم کی او را کشته است و چگونه کشته شده آیا کی باید تحقیق کند؟ راه تحقیقش را بمن نشان بدهید آیا کسی که در زمان حکومت او خیابانی کشته شده باید تحقیق کند حاشا و کلا اگر امروزه مرهان من که پنجاه سال صدسال دیگر اشخاصی خواهند آمد برای اینکه حکایت کنند و به بینند حق با کی بوده چنانچه امروز هم می بینیم اشخاص را که صدسال قبل از بین رفته اند تاریخ ثابت میکند که خادم بوده اند نه خائن البته هر ما کوتاه است ولی هر دنیا تاریخ زیاد است حکومت حکومت ملی است و بنده که بکنفر وکیل هستم بنام حفظ و کالت و احقاق حق بکنفر مقتول باید بفهمم خیابانی واقعا تجزیه آذربایجان را می خواسته است یا خیر؟ آخر سندیها کجا است؟

**حاج مخبر السلطنه** - امضای

خودش است  
**سلیمان میرزا** - اگر امضای خودش است بیرون بیاورید.  
**حاج مخبر السلطنه** - از وزارت داخله بخواهید.  
**سلیمان میرزا** - اولاً اگر خود شما تلگراف کرده باشید یا یک نفر مأمور دولت یا صاحب منصب قزاق تلگراف کرده باشد اینها دلیل نمی شود که او خودش انتحار کرده پس مسئله باز تحقیق بر می گردد.  
 بنده می خواهم بفهمم این نسبت هائی که باین مردم مدنون که معروف بآزادی خواهی بود می دهند صحیح است یا خیر؟ این شخص خان بود یا خادم اگر معلوم شود خادم بود آیامی خود بصحت اعتبارنامه کسی کاو را کشته رای داد آقای مدرس می فرماید چرا اکثریت واقفیت گفته میشود پس چه بگویم خوب است یک لغت تازه می باشد یاد بدهد تا عرض کنم پریش هم که در مجلس هیئت رئیسه انتخاب میشد خود آقای مدرس فرمودند مخلص همگی با اکثریت ۳۹ رای انتخاب شدم.  
 البته تمام مطالب با اکثریت می گذرد در نظامنامه و قوانین اساسی هم با لغت اکثریت نوشته شده و مادام که یک لغت تازه وضع نشود بنده اکثریت و اقلیت عرض می کنم بنده در تصویب کردن حقوق محمد علی میرزا مخالف و در اقلیت بودم اما اکثریت رای داد و البته بقیه آقایانی که هزار تومان حقوق برای محمد علی میرزا تصویب نمودند البته عقیده آزاد است اگر عقیده بنده بدست این دفته بنده را انتخاب نکنید حالا هم عرض می کنم در خصوص صحت نمایندگی ایشان اتفاق نخواهد بود زیرا بنده مخالفم و آقای مدرس بارز و ایشان نخواهند رسید تا بنده مدرک و سند به بینم نمی توانم یک عنصری را مثل خیابانی باقی بدانم البته در نظر کابینه آقای مدرس و توفیق الدوله که قرارداد را خوب می دانست مخالفین قرار داد باقی هستند زیرا آن کابینه قرارداد را بصره و صلاح مملکت می دانست اگر ایشان هم تشریف بیاورند بنده دوسه شب همین عرایض را در حضور مبارکشان خواهم کرد زیرا شنیده ام تشریف می آورند و باید منتظر اقدامات جدیدشان باشیم بقیه سلامت تشریف بیاورند و در همین مجلس در دست راست یا دست چپ می نشینند و در اعتبار نامه ایشان باز همین مخالفت ها خواهد شد مگر اینکه خدا بخواهد بنده مرده باشم

**آقای میرزا علی کازرانی** - انشاء الله  
**سلیمان میرزا** - بسیار خوب انشاء الله البته وقتی خدا بخواهد خواهم

مرد وجهی ازیر گوئی بنده آسوده خواهند شد لکن تا زنده ام و دستم باین کرسی خطابه میرسد عقاید خود را آزادانه خواهم گفت و از خداوند هم کمک می خواهم لایب اگر زنده ماندم از اشغالی که بر علیه انتخباتشان حرف خواهم زد یکی آقای وثوق الدوله است که تشریف می آورند و مملکت بوجود مقدسشان آراسته می شود آنوقت بنده باز عرایض خود را شروع می کنم مگر اینکه مرده باشم و آقایان راحت شده باشند یا اینکه از اول اکثریت رای بدهد که اصلا مذاکره در این اعتبار نامه لازم نیست ولی گمان می کنم هیچ اکثریتی چنین تعمیلی بر اقلیت نکند و باین امیدواری که دارم اگر آقای وثوق الدوله تشریف بیاورند بنده باز شروع به عرایض خود در باب قراردادی کنم و موافقت قرارداد هم بگویند قرارداد خدمت به مملکت بود اگر خدمت آنوقت مخالف قرارداد بودند باید رد شده باشد

باری باز فرمایش آقای مغیر السلطنه بر می گردم ایشان بیکه قدری رجز خوانند بنده در بیک قسمت از فرمایشاتشان عرضی ندارم

البته اگر ایشان فراموش کرده اند در نظر بنده هست آقایان مساوات و تنگناهی و چند نفر از آقایان از دوره اول بودند که محمد علی میرزا همه را از مجلس می خواست بنده معتقد بودم میرزای اخوی با هم گرفتار شدیم منتهی یعنی میرزا در دست اشخاصی که در دروازه قزوین انجمن داشتند گرفتار شد و او را بنظمیه و باغشاه بردند و بنده مبتلا بدو نفر سیلاخوری شدم و آنها بنده را رها کردند

شرح مفصل دارد که خدمت بعضی آقایان عرض کرده ام منتهی باینجا نرسید که بنده راهم راحت کنند خیلی خوب اینچنانست بر مردم نیست خدمت بعقیده خود کرده ام آقای مغیر السلطنه هم اگر به مشروطه خدمت کرده اند خدمت بعقیده خودشان کرده اند و اگر روزی لازم ندارد

و حالا باین مسئله کاری ندارم اما از خودشان سوال می کنم اگر کسی صدسال عمر کند و در آن صدسال در راه یک عقیده مذهبی و سیاسی خدمت و مجاهدت کند ولی در آخر عمر خود بزند و بیک نفر را بکشد آیا هیچ قانون مذهبی و سیاسی اجازه می دهد که چون این شخص صدسال خدمت کرده به مجازات نرسد و خون دیگری پامال شود ؟ خیر هر قدر هم خدمت درخشان کرده باشد باعث معافیت او نخواهد بود یا اگر قانونی در این باب هست بنده خبر ندارم ولی گمان نمی کنم خدمات سابقه اسباب معافیت از اجرای قانون باشد

البته خدمات سابقه در موقع خود

مستحسن است ولی اگر خدای نکرده ایشان محکوم شدند (چون بنده هنوز بطور قطع نمی توانم بگویم که ایشان شریک قتل خیابانی هستند) اگر تمام عمرشان را برای مملکت خود خدمت کرده باشند هیچ قانونی ایشان را معفو نخواهد کرد

اگر کشته خیابانی باشند باید ایشان را کشت یا اینکه باید ورثه رضی شوند اگر ایشان آمرین قتل بوده اند مطابق قوانین مذهبی ما برای آمرالیه بیکه مجازاتی هست و ایشان را باید بمجازات برسانند فلان خدمت باعث عدم اجرای قانون نمی شود مگر اینکه همان طور که در آخر فرمودند بگویند من نکرده ام و استانداران دهند والا نطق اول ایشان خودشان را محکوم می کرد زیرا محکومیت واجب - القتل بودن خیابانی را برسانند و فرمودند او عدم مرکزیت و پول می خواست یعنی چنین شخصی محکوم بقتل است و اگر کسی چنین شخصی را بکشد جایزه دارد قسمت تشریف خدمتشان هم لازم نبود زیرا بنده بهتر می دانستم و هنوز بنده بعنوان یادگار عکس مرحوم صنیع الدوله اخوی ایشان را بالای سرم گذاردم و ایشان را اول شخص خدمتگذار مملکت می دانم و خانوادها ایشان را خانواده محترمی می شمارم ولی تمام این ها باعث نمی شود که اگر ایشان در قتل خیابانی شریک هستند صرف نظر کنیم خوب را خوب می گویم و بد را بد تا اگر دوره فترتی بیش بیاید و آزاد بخوانان حکشته شوند معلوم می شود کی ها باید بمجازات برسند ولی هم این کشته ها و کلاه آزادی خواهان هستند بنده در اینجا بعنوان ولایت هم حرف می زنم و می گویم شیخ محمد خیابانی بیک نفر آزادی خواه بود و بنده اهل مملکت ایشان هستم باید این مطلب را واضح کنم و ببینم این بیچاره که بعقیده بنده مظلوم کشته شد چرا کشته شده و کی او را کشته ؟ روح آزاد خواهان بهم متصل است جان و مال آنها یکی است با یکدیگر مسئولیت مشترک دارند و از یکدیگر دفاع می کنیم بنده بخود حق می دهم که همه جا فریاد بزنم که کی در قتل خیابانی شریک بوده از تمام حقوق ملی محروم است مادر اینجا آمده ایم در خیر و شر این مملکت حرف بزنیم و بگویم این عقیده مطابق خیر بملک قانون اساسی است لازم نیست بدوره عملیات برگردیم تاریخ زندگی هر کس معلوم است باز تکرار می کنم خدمات باعث معافیت نخواهد بود در ضمن تقصیراتی که برای مرحوم خیابانی شمرند تصرف دارالحکومه را هم فرمودند خیلی خوب اگر این قبیل چیزها تقصیر است ما خیلی از اشخاص داریم از همه نزدیکتر آقای صمصام السلطنه که در اصفهان بر علیه محمد علی شاه قیام کردند و حکومت مرکز را

هم قبول نداشتند خود ایشان حاضر هستند اصفهان را مجری از طهران می دانستند پس چرا در باره ایشان مجازات نمی دهند ؟ بنده ایشان را تقدیس می کنم زیرا حکومت مرکز را برخلاف قانون اساسی و مشروطه می دانستند باز هم در اینجا داد می زنم که در غیاب مجلس مردم باید یکشاهی بول ندهند یعنی بر علیه حکومتی که مجلس را بهم میزند قیام کنند و یاغی شوند بقول آقایان یاغی حاضر این جا ایستاده بنده می گویم هر کس بر علیه مشروطه قیام کند و مجلس را تعطیل نماید باو نباید یک دینار بدهند و اطاعت اوامر او را نباید کرد

گفته شد صحیح است با که مال افتخار عرض می کنم تازه نام و آزادی خواه هستم بر علیه چنین حکومتی قیام می کنم و علم نظایان بر میانگرم وقتی که اینجا نتوانستم در خارج قدم بگذارم فریاد می کنم اگر آقایان خسته می شوند بنده گمان می کنم مطلب مهم است و قابل این است که چندین روز در آن باب صحبت شود زیرا با باید آقای مغیر السلطنه بری الذمه شوند یا آن مرده و این جمله که در اول نطقشان فرمودند « من صحبت های سلیمان میرزا را عموماً تکذیب می کنم » ایشان را بری الذمه نمی کنند که بنده هم اگر بگویم فرمایشات ایشان را تکذیب می کنم نمی شود سئل لازم است سندی که بنده در این مسئله دارم یکی قتل شخص معین است و یکی اظهارات آقای مدرس نزدیک تر از همه فرمایش خود آقای مغیر السلطنه که می فرمودند من هم با او هم مسلک بودم و چون در بیک جمله شان فرمودند از طهران بتبریز تشریف می برده اند در نزدیکی تبریز بانها فرمودند من باشما هم مسلک در حالی که می فرمودند مرحوم خیابانی از مرکز پول میخواست و الامر کزیت را قائل بود در صورتیکه در آن وقت ایشان در تهران بوده اند و در کابینه بودند و آن اطلاعات را داشتند در این صورت چگونه در نزدیکی تبریز با آنها گفته من باشما هم مسلک و دیگر اینکه فرمودند خیابانی عالی قاپو را تصرف کرده بوده کس عالی قاپو را تصرف کند واجب القتل است اینهم گویا قانون تازه است فرمودند از طهران پول می خواست آیا هر کس پول بخواهد واجب القتل است یا اینکه می گویند حب ریاست داشت کیست و خون مردم او را حفظ می کنند گمان می کنم آقایان از داد و بی داد های بنده خسته شده باشند

بود که در آخر ریاست داشته باشند اگر این هم تقصیر است پس در شهر هر آنچه هست گیرند حب ریاستی که بر ضرر مردم و برخلاف قانون اساسی است تقصیر است و بالاترین معاصی است البته هر کس می خواهد مثلا در انتخابات اکثریت داشته باشد در مجلس اکثریت داشته باشد هیئت وزراء را از دست خود معین کند حکام مملکت مطابق میل او معین شوند و قس هلهذا پس کیست که این نوع حب ریاست را نداشته باشد بنده این را تقصیر نمی دانم تقصیر این است که در وقتی که مجلس و قانون اساسی هست کسی اقدام بکنار بکند در آن موقع باید بدوات فشار بیاورند مجلس را باز کنند سرباز مملکت هم که برای حفظ حقوق مملکت است بگویند من اهل مملکت هستم و مملکت مشروطه است اگر اینطور شد مملکت مشروطه است و قانون حفظ می شود و الا صاف و صریح عرض کنم با مضای شما مملکت مشروطه نمی شود و این که ملاحظه می فرمایند قانون اساسی و سایر قوانین در بوته اجمال مانده و هیچکس در خیال آن نیست برای این است که حس شجاعت و حس قدرت و حس انتکاء بنفس و انتکاء به خدایت و هنوز مردم چون متزلزلند و هنوز خیال می کنند با مضای قانون درست میشود و از غیب منتظر هستند از خود منتظر نیستند هر کس باید تمام مملکت را از خود بدانند و بگویند مال مملکت مال من است اجرای قانون اساسی با من است حفظ آن با من است اگر اینطور شد مملکت مشروطه است و هیچ دزدی نمی تواند باورزند قانون اساسی مقدس است و باید صد ها هزار نفر در راه قانون اساسی کشته شوند و باز ایستند و بگویند (قانون اساسی) قانون اساسی با مضای یک نفر حفظ نمی شود می فرمودند اگر من قانون اساسی را با مضای نمی رساندم مملکت مشروطه نمی شد ( نمی خواهم بایشان حمله کنم ) ولی عرض می کنم باید تمام افراد مملکت از سرباز و آزان و روحیه و وکیل و وعمله و کارگر و رنجبر و هاتی تماما قانون اساسی را حفظ کنند قانون اساسی که بنده با آقای حاج مغیر السلطنه با مضای برسانیم قانون اساسی می شود که همیشه باو حمله می کنند این طور بود که محمد علی شاه گفت من این امضاء را باطل می کنم و مجلس را بهم می زنم قانون مملکت روح مملکت است و خون مردم او را حفظ می کنند گمان می کنم آقایان از داد و بی داد های بنده خسته شده باشند

**محمد هاشم میرزا** - خیر بفرمایند

گوش می دهم

**سلیمان میرزا** - بنده تصور می کنم اگر چهار روز هم در خصوص اعتبار نامه آقای وثوق الدوله صحبت کنم کم است

جمعی گفتند اعتبار نامه ایشان هنوز بمجلس نیامده (

**سلیمان میرزا** - بلی بنا بود خیابانی هم الان در اینجا بنشیند ولی باید گفت زنده و مرده افرادی مملکت محترم است باید در این مملکتا گروهی یکی را کشتند بعد از چند سال دیگر جماعتی باشند که بگویند این بیچاره را چرا کشتند یا چرا آقای ملک الشعرا فرمودند اگر دوره های فترتی بیش بیاید مردم بی جهت تلف شوند و امیدواریم همیشه مجلس باشد که باید ما دستمان بکسی خطابه برسد تا موقع درست است این حرفها را بگویم که مردم بدانند تا اینکه بالاخره در ترتیبات مملکتی یک اساس و قراری گذارده شود

باری باز باصل مسئله بر میگردیم این آقای مغیر السلطنه فرمودند خیابانی قائل به لامر کزیت بود و عالی قاپو را تصرف کرده بود باین واسطه واجب القتل بود و از مرکز پول میخواست و وقتی ایشان در مرکز بوده اند این ترتیبات را میدانستند باین حال در وقتی که به تبریز میرفته اند به او گفته اند من با تو هم مسلکم اگر بگویم ملتفت نبودند اینطور نیست و در موقعی که هیچکس قانون را ملتفت نمیشود ایشان قانون را تفسیر میفرمودند بنده این قسمت را تصدیق دارم و زحمات ایشان را در دوره اول مجلس میدانم لکن همینطور یکی از وکلا یعنی آقای سعد الدوله در دوره اول ابوالهه بودند بنده که برخلاف رفتار کرد دیگر جبران آن نشد خیلی خوب بنده میخواستم عرض کنم جمله هم مسلک بودن را توضیح بدهند آقای مدرس می فرمایند حامی رنجبر شدند و در راه آزادی خدمت کردند و از همه چیز گذشته و حتی دهقان هم شدند فرق نمی کند اگر هم دهقان شدند باز هنوز لقب حاج مغیر السلطنه را دارند و جزو همین هستند پس در نظر داشته باشند که هنوز دهقان هستند در هر حال میخواستم این مسئله را بفرمایند که بچه ترتیب با مرحوم خیابانی هم مسلک شدند و بعد از ورود به تبریز و عفو عمومی چرا بفرزاقها و مأمورین دولت که در تحت اوامر ایشان بودند امر نکردند مزاحم خیابانی نباشند در صورتی که میفرمودند به شخصی که اسمش در نظر من نیست گفته اند برو خیابانی را پیدا کنند که او رفته پیدا نکرده است خیلی خوب در همان ساعت خوب بود به فرزاق ها می گفتند مزاحم خیابانی نباشد علاوه بر اینها بنده چیزهای دیگر شنیده ام که صدق و کذب آنرا نمی دانم تحمل الصدق و الکذب میگویند چند روزی هم شهر را غارت کرده اند خودشان می فرمودند زن خیابانی بچه هاراند او را اگر بچه هایش را میباید

آنها را هم میبردند در مسجد و میکشند حق داشتند وزن عاقله بوده که بچه هارا نداده میفرمودند چون بچه هایش را نداده معلوم میشود باعث قتل خیابانی رفتاری او بوده اند باید اینرا توضیح بدهند و معلوم شود بهترین وسیله برای معلوم نمودن این مسئله گمان میکنم همانطور که پیشنهاد شد تشکیل یک کمیسیون تحقیقی باشد تا ایشان اسناد و مدارک خود را در آن کمیسیون ارائه دهند اگر چه باز هم بسته بنظر اکثریت است خود بنده هم این پیشنهاد ارجاع به کمیسیون تحقیق را نکرده اند خود دانند رای بدهند مفضلانند مخالفت هم بفرمایند حق دارند

**محمد هاشم میرزا** - خیلی میل داشتم حضرت والا اسناد خود ارائه دهند **سلیمان میرزا** - استاد بنده یکی جنازه مرحوم خیابانی است عرض می کردم اگر بنده امشب در خانه ام بروم و مرا بکشند آیا تکلیف حکومت نیست که تحقیق کند و ببیند این قتل بچه ترتیب واقع شده یا اگر یکی از برادران یا وکلای مفضلان من در اینجا بیاید و بگوید میش خانه فلانی رفته اند و او را کشته اند آنوقت حکومت میگوید سند بیاورید بنده که در اینجا عرض میکنم خیابانی در زمان حکومت ایشان کشته شده ...

**محمد هاشم میرزا** - مدعی باید سند بیاورد

**سلیمان میرزا** - بیخود شاید بنده مثل سایر مطالب بخطا رفته ام البته حضرت والا بهتر میدانید در هر حال عقیده بنده این است که در زمان حکومت ایشان بواسطه پلیس تأمینات در این مسئله تحقیق کند و معلوم کند وسائل قتل خیابانی چه بوده اگر چه امروز هم مثل اینک که زن خیابانی بچه هایش را مخفی کرد مردم هم خودشان را مخفی میکنند

البته بنده با آقای مغیر السلطنه محکمه هدایه نخواهم رفت معاکه کنم بنده میگویم یک نفر آزادی خواه در این مملکت کشته شده و باید خون او از بین نرود ایشان حکومت داشته اند دولت باید تحقیقات کند خود ایشان چندین شکل صحبت می فرمایند گاهی میگویند خودش انتخاب کرده گاهی میگویند فرزاق باولشیک کرده گاهی میفرمایند رفتاری او باعث قتل شده اند و با بالاخره میفرمایند والا شاه علم البته خدا عالم است بنده هم میفرمادم حکومت تحقیق کند و قدری هم بنده بدانم والله اعلم . العبد اعلم بشود این وظیفه دولت است و بنده نباید سست بمعکله بدم و با ایشان معاکه کنم حکومت با دولت مسئول حفظ امنیت تمام رها با اتباع خودشان هستند یک قتل واقع شده و باید تحقیق کنند و ببینند باعث این قتل کی بود

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟ اغلب گفتند کافی است

**آقای سید محمد تقی طباطبائی** - بنده چند کلمه عرضی داشتم

**رئیس** - دوازده نفر قبل از جناب عالی اجازه خواسته اند آقایان مستشار السلطنه و آصف الملک پیشنهاد کرده اند این امر به انجمن تحقیقی رجوع شود « خطاب آقای مستشار السلطنه ) توضیح بدهید

**مستشار السلطنه** - بنده همانطور که معتقد بودم این مذاکرات در مجلس شورای ملی نشود خصوصاً با سابقه که آقای حاج مغیر السلطنه اظهار کردند و اغلب مطلع هستیم از نقطه نظر اینکه برائت و همه ایشان را معتقد هستم و از نقطه نظر اینکه در این قضیه حتی المقدور اقدامات کرده اند و از اطراف هم طرفداران کشف قتل خیابانی که آیا بچه وسیله مقتول شده و مصاب هستند این است که بنده پیشنهاد کردم بکمیسیون تحقیقی رجوع شود تا تحقیق کرده نتیجه را بر عرض مجلس شورای ملی رسانند و رایی که مجلس میدهد از روی یک معاکه علمی و صحتی باشد

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه نطق)

**مدرس** - گمان بنده این است که این سابقه نباید در مجلس تولید شود که بعدها هر کس چیزی گفت طرف برد ثابت کند در آتیه مملکت باید زندگی کند کسی که دعوی نفی می کند نباید بروی ثابت کند کسی که دعوی اثبات می کند باید دعوی خود را ثابت کند کانه تصور می کنم مدعی نفی باید برود و مسئله نفی را ثابت کند

**رئیس** - آقای آصف الملک توضیحی دارید ؟

**آصف الملک** - عرایض بنده را آقای مستشار السلطنه فرمودند چون موضوع خیلی مهم بود و یک اطلاعات کاملی در این خصوص به آقایان نرسیده است و حضرت والا قید به « اگر میبودند » میفرمودند اگر اینطور باشند بعضی اظهار میکنند این قضایا مربوط به آقای مغیر السلطنه نبوده و از طرفی متأسفانه واقعه قتل خیابانی هم واقع شد چون خود بنده اطلاعات کافی در این موضوع داشتم و در آن تاریخ در وزارت داخله بودم مقتضی میدانم یک کمیسیونی بشود که سایر آقایان هم اطلاعات پیدا کنند و اگر موافقت و مخالفت میکنند بر روی یک اساسی باشد

**آقای سید محمد تقی طباطبائی** - بنده تکذیب میکنم که خیابانی مایل بود آذربایجان مجری شود

**رئیس** - باید رای گرفته باین پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد دو فقره - پیشنهاد است یکی راجع به رای علمی است و دیگر راجع به رای مخفی ولی میدانید رای مخفی بر رای علمی مقدم است

(جمعی گفتند صحیح است)

**رئیس** - آقایانی که رأی بورت کمیسیون را تصویب میکنند یعنی وکالت آقای حاج مغیر السلطنه را تصدیق می نمایند کلمه سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند کلمه سیاه خواهند داد

اخذ آراء بعمل آمد آقایان نظام - الدوله و امیر ناصر مهرهای رای را تعداد نموده بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید

عده حضار (۷۳)

مهره سفید علامت قبول ۴۹

مهره سیاه علامت رد ۱۸

امتناع ۵

**رئیس** - از هفتاد و دو نفر نمایندگان حاضر با اکثریت چهل و نه ۴۹ رای تصویب شد

(اسامی تقاضا کنندگان رای مخفی)

**فهییم الملک** - آقا سید محمد تقی طباطبائی - حاج شیخ محمد حسن - ناظم العلماء - میرزا طاهر تنکابنی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - و قار الملک - امین التجار - ملک الشعراء - دکتر لقمان آقا میرزا هاشم آشتیانی - محمد هاشم میرزا - آقا سید محمد صادق طباطبائی - آقا میر سید حسن کاشانی - سید ابوالکلام سردار مظفر - حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

**وزیر عدلیه** - این لایحه قانونی شرایط خدمت و امتحان امضای وزارت هدایه است که تقدیم می شود و بنده استدعا از مجلس دارم یکی اینکه کمیسیون هدایه را زودتر انتخاب بفرمایند زیرا کمیسیون کارهای زیاد خواهد داشت و لازم خواهد بود هر روز جلسه داشته باشد و یکی هم تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی است که لایحه آن تقدیم مجلس شده است استدعا دارم جزء دستور روز شنبه گذارده شود

**رئیس** - بودجه سه است مجلس از اداره مباشرت رسیده بکمیسیون معاسبات ارسال می شود جلسه آتیه هیچدم حمل پس فردا ۳ ساعت بفریب مانده دستور آن اولاً تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی ثانیاً راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات ثالثاً انتخاب کمیسیونها. آقای فهییم الملک (اجازه)

**فهییم الملک** - بنده هم میخواستم استدعا بکنم راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات جزء دستور شود معین فرمودند دیگر عرضی ندارم ( مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)